

«...دعواهای ما دعوی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاهی الهامی زحمت

«شخصیت علمی
آیت الله موحد
ابطحی در گفت و
گو با حجت الاسلام
دکتر میرلوحی»



صفحه ۵

سال سی و پنجم ♦ شماره ۲۳ ♦ شماره مسلسل ۱۴۹۳ ♦ نیمه اول اسفند ماه ۱۳۹۳ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

در گفتگویی با استاد خسروشاهی مطرح شد:

حوادث انقلاب اسلامی و: شیخ اشراق قم



آشاره: به مناسبت چهلمین روز درگذشت آیت الله شیخ یحیی انصاری شیرازی، از اساتید اخلاق و فلسفه حوزه علمیه قم، بخش تاریخ مرکز بررسیهای اسلامی قم، گفتگویی با استاد خسروشاهی انجام داده که از نظر خوانندگان گرامی می گذرد. گفتنی است که آیت الله انصاری شیرازی در ۱۵ دی ۱۳۹۳ در ۸۵ سالگی درگذشت و در کنار مرقد مطهر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

روزنامه اطلاعات - شنبه ۲۵ بهمن ۱۳۹۳

سابقه آشنایی شما با مرحوم آیت الله انصاری شیرازی به چه زمانی برمی گردد؟

مدرسه حجتیه که توسط مرحوم آیت الله سید محمد حجت کوه کمری در قم احداث شد، در کنار رودخانه بزرگ و معروف قم و در چهارراه خیابان ارم قرار داشت. این مدرسه که با نظارت و اشراف مرحوم استاد علامه طباطبائی ساخته شد و در اختیار طلاب قرار گرفت، در قسمت پایانی شهر قم قرار داشت و پس از این محدوده، باغهای انار و انجیر شهر قم آغاز می شد که تا جاده اصفهان و مسجد جمکران امتداد می یافت. این مدرسه نوساز با وسعتی چشمگیر از هفت یا هشت بلوک، و دهها اتاق یا حجره مسکونی تشکیل می شد که علاوه بر طلاب آذری، عدهای از طلاب شهرهای تهران، مشهد، کاشان، اصفهان، همدان، قزوین و شیراز و ... را هم در خود جای داده بود. سکونت در این مدرسه شرایط ویژه ای داشت و بدون امتحان درسی، امکان اقامت در آن وجود نداشت و همه یا اغلب طلاب ساکن در آن، می بایست از این مرحله عبور می کردند.

بنده پس از ورود به قم در اواخر سال ۳۲ یا اوایل سال ۳۳، نخست چند ماهی در مدرسه فیضیه بودم و بعد توانستم به مدرسه حجتیه راه یابم. البته اگر مرحوم آیت الله حجت زنده بود، شاید من زودتر می توانستم در آن مدرسه حجره بگیرم، چون آیت الله حجت در مدت اقامت در تبریز، از شاگردان پدرم، مرحوم آیت الله حاج سیدمرتضی خسروشاهی بود و قاعدتا به فرزند استاد عنایت خاصی نشان می داد. به هر حال بنده پس از ورود به این مدرسه، با عده کثیری از فضلا و طلاب درس خوان و سختکوش و اهل تهجد و دعا روبرو شدم که برای من طلبه نوجوان، بسیار جالب و شوق آفرین و آموزنده بود.

اسامی افرادی از این گروه را به خاطر دارید؟

افراد برجسته ای از قبیل: آیت الله مهدوی کنی و برادرشان حاج آقای باقری، شیخ غلامحسین ابراهیمی دینانی، شیخ علی آقا پهلوانی (سعادت پرور) و برادرش آقای شیخ حسن، آیت الله جوادی آملی، آیت الله خامنه ای و برادرشان آقا سیدمحمد خامنه ای، آیت الله هاشمی رفسنجانی (و برادرانشان)، شهید محمدجواد باهنر، شیخ مسلم کاشانی، آیت الله شیخ عزیزالله خوشوقت، شیخ مجتبی کرمانشاهی، آقا سیدکمال شیرازی، شیخ یحیی انصاری شیرازی، صائنی زنجانی، شیخ مجتبی تهرانی و برادرش آقا شیخ مرتضی، شیخ محمد جواد حجتی کرمانی و برادرش شادروان علی حجتی کرمانی، شیخ یدالله دوزدوزانی، شیخ مرتضی بنی فضل، سید عبدالمجید ابروانی، سید علی انگچی، شیخ هادی فقهی، سید ابوالفضل موسوی تبریزی، شیخ عبدالهادی معزی تهرانی و اخوان ایشان، سیدمحمد لاله زاری، آقازا استادی، شیخ قاسم تهرانی، موسوی خوئینی ها، و دهها نفر دیگر که اغلب آنها در پیروزی انقلاب نقش خاصی ایفا کردند و پس از پیروزی هم، عهده دار مسئولیتهای سنگین در اداره کشور شدند.

ادامه در صفحه ۶

آیت الله اراکی:

شکل گیری جریان
بیداری اسلامی
مرهون انقلاب اسلامی
ایران است



صفحه ۱۱

چهار چالش
فراروی امت اسلام
از نگاه شیخ
نعیم قاسم



صفحه ۹

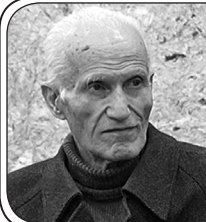
وزیر اطلاعات مطرح کرد:

بولتن هایی
صددرصد
دروغ



صفحه ۴

تاریخ تأسیس
شرکت سهامی انتشار
در گفتگویی با
آقای محبوب



صفحه ۲

حکیم خردمند روشن روان

دکتر مصطفی بروجردی

رفتار محبوبانه خود، آموزگار اخلاق و تربیت اسلامی بود. اکنون که دفتر خاطرات گذشته را در ذهن مرور می کنم با صحنه هایی شگفت مواجه می شوم که برای ثبت در تاریخ آموزش این مرز و بوم باید بیان شود.

مرحوم استاد انصاری شیرازی، علیرغم حضور جمع زیادی از طلاب و اصرار آنان، از رفتن بر فراز منبر تدریس خودداری نموده و ترجیح می داد همچون سایر تلامیذ، بر روی زمین بنشیند. او در تمام مدت تدریس، با ادبی مثال زدنی، دوزانو می نشست و به آموزش حکمت یا عرفان می پرداخت. این رفتار وی از آن رو بود که مبدا تدریس فلسفه، زمینه ساز غرور وی شده و او را از تهذیب نفس باز دارد. علاوه بر این، او از نگاه کردن به چهره طلاب اجتناب می ورزید. یکبار از ایشان در این باره پرسیدم. فرمود شاید یکی از کسانی که امروز در جلسه حضور دارد، درس مرا نپسندد و قصد ادامه حضور نداشته باشد من به صورت طلاب نگاه نمی کنم، تا اگر در بیرون با هم مواجه شدیم، خجالت نکشند!

ادامه در صفحه ۷



خبر درگذشت عالم ربانی، استاد بزرگ فلسفه و عرفان اسلامی، حکیم زاهد مرحوم آیت الله حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی قدس سره، برای اینجانب که سالهای متمادی از محضر پر برکت آن وجود ذی جود بهره مند بوده، خبری سخت تلخ و جانگداز است. اکنون که از میهن اسلامی دور و از فیض حضور در مراسم عروج روحانی این اسوه اخلاق و تقوی محروم، ضمن عرض تسلیت به بازماندگان محترم و تلامیذ بزرگوار ایشان، با قلبی آکنده از اندوه، این وجیزه پراکنده را به ساحت قدسی وی تقدیم می کنم، روحش شاد و یادش گرامی باد.

یک دهان خواهم به پهنای فلک تا بگویم شرح آن رشک ملک کسانی که مرحوم استاد انصاری شیرازی را از نزدیک درک کرده بودند، اذعان دارند که این عالم ربانی مجسمه عفت و حیا، اخلاق و تواضع، حلم و خوشتنداری بود. او نه تنها با آموزش نکات دقیق فلسفی و عرفانی می کوشید شاگردان را با افقی متعالی از معارف آشنا سازد، بلکه با

همایش بررسی اندیشه های سید قطب در دانشگاه تهران

زودنو آثار سوء تفکر اشعریت بر جامعه اسلامی عنوان کرد و گفت: نو اعتزال گرای یک دست نیستند. مباحثشان چندان شفاف نیست، نتوانستند مکتبی را بنیان گذاری کنند بلکه در مجموع می توان گفت یک رویکرد معرفتی است. وی مشکل اساسی اشعریت را فقدان دستگاه فلسفی و عقلانیت کارآمد در مبنا دانست و با اشاره به منطق کارآمد در مواجهه با دین در دو افق فهم و عقل دینی، اظهار کرد: نو اعتزال گرایی که تصور می کرد باید جایگزین اشعریت بشود خود از نقاط ضعفی رنج می برد.

حجت الاسلام والمسلمین رشاد عنوان کرد: مشکل اساسی اعتزال تاریخی، تک ساحتی نگری در حوزه منطق درک دین بود. اصرار بر نقش منحصر عقل، منجر به تک ساحتی اندیشی شد. این نقطه ضعف در اشعریت هم هست. مشکل اساسی جریان اعتزال تاریخی و اشعریت در این است که فاقد دستگاه فلسفی کارآمد که جامع نگر و واقع گرا باشند، هستند. منظورم از فلسفه متافیزیک محض نیست هر چند ظاهرا اعتدال گرایی، عقل گرایی افراطی است.

وی با بیان اینکه در مقام منبع معرفت، یک مجرا و ابزار را محور قرار دادن، آفت اساسی است، گفت: معتزله عقل و اشعریه حدیث را مبنا قرار دادند. در اعتزال نو عقلانیتی خود بنیاد اما سطحی نگر شبیه عقلانیت ابزاروری مورد توجه است. در اعتزال تاریخی نیز نوعی عقل خودبنیاد محور توجه بود.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در جمع بندی سخنان خود، اظهار کرد: جریان اعتزال نو که سید قطب به آن تعلق دارد فاقد دستگاه فلسفی در حوزه مبانی، فاقد منطق کارآمد و فاقد حماسه است.

ادامه در صفحه ۱۰

به گزارش خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا)، همایش علمی بررسی اندیشه های سید قطب و همچنین بررسی تحولات اخیر جهان اسلام با محوریت (تمدن اسلامی، جریانات تکفیری و وحدت اسلامی) با حضور آیت الله سیدهادی خسروشاهی، حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد، حجت الاسلام والمسلمین داوود فیرحی و دکتر حسن رحیم پورازغدی عصر روز یکشنبه، ۲۶ بهمن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران برگزار شد.

دکتر رشاد: در تاریخ اسلام، انحراف و آفتی بزرگتر از اشعریت وجود نداشته است

بعد از پخش سرود ملی جمهوری اسلامی ایران و قرائت آیاتی از قرآن، حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی اکبر رشاد، رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به عنوان اولین سخنران در باب کاستی جریان و طیف اعتزال نو که سید قطب از پیشگامان این طیف قلمداد می شود، گفت: جریان ها و گفتمان هایی که به عنوان طیف وسیعی ذیل اعتزال نو قرار می گیرند از ناکارآمدی هایی رنج می برند.

وی افزود: در تاریخ اسلام انحراف و آفتی بزرگتر از اشعریت وجود نداشته است. در طول تاریخ و در طی جریان های غالب و مسلط میان امت اسلامی بعد از ائمه اربعه، میان اهل سنت اجتهاد تطویل شد و این به دلیل غیاب عقل بود چون گوهر اجتهاد، عقلانیت است.

دکتر رشاد اظهار کرد: طی دو قرن اخیر افرادی به عنوان مصلح و دلسوز امت اسلامی به چاره اندیشی این معضل اهتمام کردند و در چارچوبی این مورد که با مقوله اشعریت چه کنیم به این نتیجه رسیدند که احیای اعتزال تاریخی میسر نیست؛ لذا جریانی را بنیان نهادند که منتهی به پیدایش طیف «اعتزال نو» شد.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، نواعتال گرایی را تلاشی برای

یازدهمین نشست از سلسله نشست‌های «تاریخ شفاهی کتاب» که هر هفته دوشنبه‌ها به همت «مرکز کتاب‌پژوهی» موسسه خانه کتاب برگزار می‌شود، دوشنبه ۱۳ بهمن ماه، به گپ و گفت با آقای حسین محبوب، مدیر شرکت سهامی انتشار اختصاص داشت. دبیری این سلسله نشست‌ها که به صورت پرسش و پاسخ برگزار می‌شود به روال جلسات گذشته، به عهده نصرالله حدادی بود که خلاصه ای از آن را نقل می‌کنیم. **بعثت**

* * *

در ابتدا خودتان را معرفی کنید.

من در سال ۱۳۰۷ متولد شدم اما در شناسنامه ۱۳۰۸ درج شده است زیرا در آن زمان فاصله یک یا دو ساله‌ای برای دریافت شناسنامه صرف می‌شد. ما خانواده فرهنگی داشتیم و عمه من مدرسه دخترانه‌ای به نام «طیبات» را در محدوده میدان بهارستان تأسیس کرده بود. معلمان مدرسه، برادر محمد جعفر (امیر) را در سن طفولیت به سر کلاس می‌بردند. او به دلیل داشتن ذکاوت زیاد و حضور در کلاس با درس مدرسه آشنا شد بطوری که در سن شش سالگی به جای رفتن به کلاس اول به کلاس سوم رفت.

پدرم داروخانه‌ای در خیابان ظهیرالاسلام داشت. او به دلیل ترکیبی بودن بسیاری از داروهای آن زمان و احتمال استفاده الکل در آنها، داروخانه را به عطاری تبدیل کرد. او علاوه بر عطاری مقداری از سرمایه خود را به آوردن مال‌التجاره از روسیه اختصاص داد اما در حین حمل آنها به ایران به دلیل وجود بلشویک‌ها، این مال‌التجاره از بین رفت و به همین دلیل پدرم تا مدت‌ها خانه نشین شد.

من در سن هفت‌سالگی به مدرسه‌ای رفتم که برادرم در آن درس خوانده بود. این مدرسه در گذشته به نام «سیروس» خوانده می‌شد و در حال حاضر به «علمیه» تغییر نام یافته است.

در دوران دبیرستان فعالیت‌های ضد مذهبی اوج گرفته بود و این تفکر در من که تحصیل کرده‌ها افرادی لامذهب هستند شکل گرفت. به همین دلیل با وجود اصرار پدر و مادر ادامه تحصیل نادم و شغل صحافی را انتخاب کردم. در کلاس ششم، کتاب جغرافیای ما، کتاب بزرگی بود که به سرعت پاره می‌شد. من کتاب‌های هم‌کلاسی‌هایم را برای تعمیر می‌گرفتم و در ازای آن یک ریال از آنها دریافت می‌کردم.

من شغل صحافی را در اول مهر سال ۱۳۲۰ در زمانی که همه بچه‌ها به مدرسه می‌رفتند آغاز کردم. پدرم مرا برای کار به مغازه صحافی در خیابان شاه‌آباد روبروی شرکت سهامی انتشار که در آن زمان تأسیس نشده بود، برد و صاحب مغازه از شروع به کار من استقبال زیادی کرد زیرا در چنین زمانی همه بچه‌ها به مدرسه می‌رفتند اما من مشغول به کار می‌شدم.

در ابتدای ورودم به شغل صحافی، به محسنات آن واقف نبودم. در مغازه‌ای که من در آن مشغول به کار بودم مشتریانی همچون مشیرالدوله پیرنیا و دکتر یحیی مهدوی که افراد متشخصی بودند، رفت و آمد داشتند. به همین دلیل از این کار احساس رضایت می‌کردم و با کتابفروشی‌هایی از جمله جواد اقبال آشنا شدم.

اقبال شاگردی هم سن من داشت که درصدد مستقل شدن در کار داشت به همین علت اقبال پیشنهاد کار به من داد و من هم پذیرفتم و از همان ابتدا اقدام به نشر کتاب هم کردم. در آن موقع کتاب متمم قانون مدنی ایران با قطع کوچک منتشر شده بود و محصلان مدرسه اداره آمار ملزم به خواندن آن بودند. اقبال این کتاب را در زیرزمین مغازه خود داشت اما همه آنها کهنه و خراب شده بودند. من فکر چاپ این کتاب را با برادرم که در آن زمان در دانشکده حقوق تحصیل می‌کرد، مطرح کردم و با همکاری او کتاب را در چاپخانه تازه تأسیس

تاریخ تأسیس شرکت سهامی انتشار در گفتگوی با آقای محبوب

بعد از مدیرعاملی من، ساواک به شرکت رفت و آمد زیادی می‌کرد و کاظم یزدی هم به دلیل سفر به خارج از کشور برای بورسیه گاهی شب‌ها به شرکت مراجعه می‌کرد. من میز خود را روبه‌روی پله‌ها قرار داده بودم و هر لحظه منتظر آمدن نیروهای ساواک بودم و انتظار هر اتفاقی را می‌کشیدم. بارها به اداره ساواک رفته بودم زیرا گزارش‌هایی مبنی بر جمع‌آوری پول برای خانواده‌های زندانیان به ساواک داده شده بود اما من با توضیحاتی که می‌دادم، رفع مشکل شده بود. در آن زمان صبح‌ها به کتابخانه مجلس رفته و در ساعت ۲ بعدظهر در شرکت حاضر می‌شدم و گاهی به دلیل کار زیاد به خصوص در اسفندماه تا ۱۲ شب در شرکت انتشار کار می‌کردم.

یک روز از یکی از کارمندان شرکت به خانه ما آمد و اطلاع داد ساواک کتاب‌های شرکت را ضبط کرده تا مانع فروش آنها شود زیرا ساواک می‌خواست کتاب‌ها را بررسی کند. در آن زمان مهندس بازرگان در زندان بود و نصرت‌الله امینی و کیل او محسوب می‌شد که با رجال آن زمان هم در ارتباط بود. گرفته شدن کتاب‌ها به گوش بازرگان در زندان رسیده بود و او امینی را برای حل این مشکل نزد تیمسار مقدم فرستاده بود. تیمسار مقدم در آن زمان شخص متفکر ساواک بود که بعد از اطلاع یافتن از این کار، به ساواکی بازار که اقدام به انجام چنین کاری کرده بودند، دستور آزادسازی کتاب‌ها را داد. ساواک بازار هم مرا احضار کرد و گفت کتاب‌هایتان رفع توقیف شده و می‌توانید آنها را ببرید.

کتاب‌های توقیف شده شامل چه کتاب‌هایی می‌شدند؟

همه کتاب‌هایی که تا آن زمان منتشر کرده بودیم از جمله عشق و پرستش، پرتوی از قرآن، راه طی شده، حکمت قرآن و کتاب‌های مطهری. مقارن با تأسیس شرکت انتشار، آقای طالقانی با سرمایه شخصی خود جلد اول کتاب «حکمت قرآن» را چاپ کرده بود و به شرکت انتشار داده بود و عنوان کرد که من وارد حسابرسی فروش کتاب نمی‌شوم و همه را به خودت واگذار می‌کنم. این کتاب بسیار پرفروش بود و دانشجویان زیادی آن را خریداری کردند که همین سوءظن مأموران را برانگیخته بود.

هیات تحریره شرکت انتشار شامل چه کسانی می‌شدند؟

مهدی بازرگان، احمد آرام، احمد راد، شهید مطهری و محمد معین.

احمد راد رئیس کتابخانه مدرسه سپهسالار روزهای چهارشنبه جلسه‌ای را به نام «اصحاب چهارشنبه» تشکیل می‌داد و افرادی همچون احمد آرام، حبیب یغمایی، محمد معین و شهید مطهری در آنجا جمع می‌شدند و پیرامون موضوعات مختلف بحث می‌کردند. احمد آرام که از ابتدا سهام شرکت را خریده بود، پیشنهاد داد تا در روزهای چهارشنبه تعدادی از اعضا از جمله کسانی که به عنوان هیات تحریریه شرکت انتشار نامشان ذکر شد، به عنوان هات تحریریه بحث و گفتگو کنند. بازرگان هم منشی این جلسات تعیین شد و مذاکرات را یادداشت می‌کرد. در همان جلسات تصمیم بر ترجمه کتاب «دایرةالمعارف اسلام» به فارسی گرفته شد اما سرمایه شرکت انتشار اجازه چنین کاری را به ما نمی‌داد زیرا آن کتاب دارای حجم زیادی بود. در همین جلسات هیات تحریریه نگارش کتاب «داستان راستان» مطرح شد و این کتاب شهید مطهری جزو کتاب‌های برگزیده از طرف انجمن یونسکو برای نوسودان شد.

آیا به شهید مطهری برای نگارش این کتاب انتقادی وارد نشد؟

بله نقدهایی به او وارد شد اما او در مقدمه کتاب خود ذکر کرده است که به نگارش این کتاب افتخار می‌کند. این کتاب در دو جلد نوشته شد و من قبل از انحلال شرکت، آخرین چاپ این کتاب را در ۵۰ هزار نسخه و قطع جیبی به قیمت ۲۰ ریال منتشر کردم. علاوه بر آن دو هزار جلد هم با قطع رقی از کتاب داستان راستان منتشر شد.



زمان ۵۰ ریال بود اما من ۲۵ ریال قیمت‌گذاری کردم. بعد از شرکت انتشار برای حضور در جلسه هیات مدیره دعوت شدم. ابتدا تصور می‌کردم این دعوت از سوی مهندس بازرگان صورت گرفته است درحالیکه آقای طالقانی من را برای شرکت در این جلسات پیشنهاد داده بود. اولین جلسه‌ای که من در آن حضور پیدا کردم در ایام نوروز و در دانشکده علوم در دانشگاه تهران و دفتر دکتر یدالله سحابی بود و اولین صورت‌جلسه مکتوبی که نوشته شد و من آن را هنوز در اختیار دارم، به خط علی سحابی فرزند دکتر یدالله سحابی نوشته شد.

آقای دکتر کاظم یزدی می‌گوید که او بانی اصلی شرکت سهامی انتشار است؟

بله همین‌طور است. آقای یزدی شرکتی را با عنوان «مطاع» با نگاه مذهبی تأسیس کرده بود که مقدمه تأسیس شرکت انتشار شد. یزدی با توجه به انتشار روزنامه‌ها و مجلات کذایی مانند اطلاعات بانوان به فکر تأسیس شرکت انتشار می‌افتد و این پیشنهاد را مطرح می‌کند.

من در جلسات هیات موسس شرکت با حضور عباس تاج، دکترسحابی، مهدی بازرگان و کاظم یزدی شرکت می‌کردم اما در آن موقع هنوز شرکت به ثبت نرسیده بود تا این که در یازدهم اسفند سال ۱۳۳۹ این شرکت به ثبت رسید درحالی که از سال ۱۳۳۷ ما در این شرکت کار می‌کردیم.

شما از سال ۱۳۳۸ جزو سهامداران شرکت انتشار شدید؟

من در انتخابات هیات مدیره عضو علی البدل بودم. بعد از تأسیس این شرکت و کودتای ۲۸ مرداد هنوز ساواک تشکیل نشده بود اما حکومت نظامی اعلام شد. دانشجویان مذهبی هم مراجعه‌کنندگان به شرکت انتشار بودند و به تدریج رفت و آمد مأموران به این شرکت آغاز شد.

چه کسانی سهام شرکت انتشار را خریدند؟
ابتدا ۵ هزار سهم به قیمت ۱۰۰ تومان فروخته شد که ۵۰ تومان آن در ابتدا دریافت گردید و قرار بود مابقی در آینده پرداخت شود اما تعدادی در پرداخت ۵۰ تومان دیگر تعلل داشتند.

شما از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۲ در شرکت انتشار بودید و کتاب‌های اعضای این شرکت یا سهامداران آن را چاپ می‌کردید.

این‌طور نبود که فقط کتاب اعضای شرکت را چاپ کنیم به عنوان مثال شهید مطهری سهامدار آنجا نبود اما کتاب‌های او را چاپ می‌کردیم ولی شروع کار شرکت با کتاب مهندس بازرگان بود. دومین کتابی که در شرکت انتشار منتشر شد، کتاب «شش بال مردان علم» بود که در زمان انحلال شرکت، انتشارات فجر آن را منتشر کرد. ما کتاب‌های احمد آرام را هم چاپ می‌کردیم.

مدیر عامل شرکت انتشار در آن سال‌ها چه کسی بود؟

کاظم یزدی در سال ۱۳۴۲ که واقعه ۱۵ خرداد اتفاق افتاد، بورسیه شده بود و نمی‌توانست به عنوان مدیر عامل در شرکت به کار خود ادامه دهد به همین دلیل محمد رضائی که با من آشنایی داشت، پیشنهاد مدیرعاملی‌ام را مطرح کرد و به این ترتیب من در این سمت مشغول شدم. بعد از آن سحابی و بازرگان را گرفتند و زندانی کردند.

«پاکتچی» چاپ کردیم و در کتاب قید شد «به اهتمام محمدجعفر محبوب، دانشجوی حقوق».

قبل از چاپ کتاب متمم قانون مدنی ایران، زیارت‌نامه حضرت عبدالعظیم را با این عنوان «ناشر حسین محبوب، از خوانندگان التماس دعا دارم» را منتشر کرده بودم.

پدرتان قرآن را چگونه به شما آموخت؟

در ابتدای قرآن، عم جزء بود که پدرم از روی آن خواندن قرآن را به ما آموخت و ما هر روز ملزم به خواندن چند صفحه از قرآن در برابر پدرمان بودیم.

آیا علاقه شما به کتاب به دلیل کتاب‌هایی که برادران تهیه می‌کرد، به‌وجود آمده بود؟

یکی از دلایل علاقه‌ام به کتاب این بود و علت دیگر آن روزنامه‌ای بود که در باکو منتشر می‌شد و کاریکاتورهای جالبی در آن به چاپ می‌رسید. ما مفهوم روزنامه را تا حدودی متوجه می‌شدیم زیرا زبان ترکی را به تحریر نگارش می‌کرد.

تا چه سالی با کتابفروشی اقبال همکاری داشتید؟

جواد اقبال با پدرش دچار مشکل شد و دیگر به مغازه نیامد اما پدرش جای او را در کتابفروشی گرفت. در آن زمان کتابفروشی دوره گردی بود که به مغازه اقبال رفت و آمد می‌کرد و نزدیک به نوروز دعای سال تحویل را می‌خرید. اقبال در آن سال دعای سال تحویل برای فروش نداشت اما من آن را چاپ کردم و به این دوره‌گرد فروختم. پدر اقبال از این کار ناراحت شد و روز قبل از سال تحویل مشاجره‌ای با من کرد که من از این کار آزرده خاطر شدم و از آنجا بیرون آمدم.

تا این که در سال ۱۳۲۸ برادرم به خدمت سربازی فراخوانده شد و من هم در آن زمان مشمول سربازی شدم. آن زمان در صورت رفتن من به سربازی و کپولت پدر و مادرمان، برادرم می‌توانست از رفتن به سربازی معاف شود که با قبول من در رفتن به سربازی او کفالت والدین‌مان را گرفت.

دوره سربازی من تمام شد و کلاس‌های پنجم و ششم دبیرستان را هم به پایان رساندم و علاقه به حضور در دانشکده فنی داشتم. در آن زمان با مهندس بازرگان هم آشنا شده بودم. ابتدا در دانشگاه شرکت کردم اما پذیرفته نشدم اما با دیلم ریاضی به دانشگاه الهیات رفته و تا مقطع دکتری ادامه دادم اما تز مقطع دکتری را به دلیل تصادفی که داشتم و انحلال شرکت سهامی انتشار نتوانستم ارائه دهم.

اولین بار اعضای هیات موسس شرکت انتشار را کجا ملاقات کردید؟

اولین بار در جلسات سخنرانی که انجمن اسلامی مهندسان در مسجد هدایت داشتند، شرکت کردم. آن زمان توده‌ای‌ها تبلیغات زیادی می‌کردند و من به اقتضای سن دچار تحیر شده بودم. یک بار در زمان عبور از مقابل مسجد هدایت متوجه اعلامیه‌ای شدم که در آن نوشته بود «جلسات تفسیر قرآن در این مسجد برپا می‌شود». من ابتدا از کنار آن بی‌تفاوت گذشتم اما بعد تصمیم به شرکت در این جلسات گرفتم. در مسجد کتاب «راه طی شده» مهندس بازرگان را دیدم و بعد از خواندن مقدمه آن، کتاب را خریدم و به منزل بردم و تا اذان صبح آن را مطالعه کردم.

بعدها به بازرگان پیشنهاد چاپ کتاب «راه طی شده» را دادم اما او گفت قول چاپ کتاب را به کتابفروشی معرفت داده است. شخصی در مسجد هدایت که مسائل شرعی را برای نمازگزاران بیان می‌کرد. مهندس بازرگان به این شخص پیغام داده بود که من به دیدن او در شرکت «یاد» بروم. من به ملاقات او رفتم و بازرگان با چهره متبسم گفت اگر تمایل دارید کتاب «عشق و پرستش» را که در زندان نوشته‌ام، چاپ کنید. من هم با کمال میل پذیرفتم و کتاب را با شمارگان سه هزار جلد در سال ۱۳۳۵ منتشر کردم. قیمت چنین کتابی در آن

شیعه چند روایت معتبر دارد؟

آیا همه محتوای نهج البلاغه و صحیفه سجادیه دارای اعتبار است؟



کتابی که تحولی چشمگیر و اثرگذار در پالایش روایات شیعه به شمار می رود، امسال و سال گذشته خوش درخشید. «معجم الاحادیث المعبره» نوشته آیت‌الله محمدآصف محسنی از علمای مشهور و مبارز افغانستان، جوایز برگزیده کتاب فصل، کتاب سال حوزه و کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در حوزه دین، بخش حدیث را از آن خود کرد.

این کتاب در هشت جلد منتشر شده است. مؤلف در این دانشنامه، کل احادیثی را در منابع شیعی گردآوری و تدوین کرده که از نظر سند معتبر قلمداد می‌شوند. این ویژگی باعث شده که این دانشنامه در میان منابع حدیثی شیعه، پدیده‌ای منحصر به فرد باشد؛ کاری که تحقق آن، آرزوی دیرین محققان و نواندیشان شیعه بود. این کتاب از سه منظر دارای اهمیت است؛ نخست این که حدیث در اسلام، از منابع مهم معارف دینی است. دوم، اعتبار احادیثی که در معارف اسلامی مورد استناد و استدلال قرار می‌گیرند منوط به اعتبار سند آنهاست و سوم، احراز اعتبار اسناد احادیث نیازمند تبحر در علوم حدیث و علم رجال است.

مؤلف در این اثر، صحت متن را معیار سنجش صحت صدور حدیث قرار نداده و احادیث متعارض یا مخالف مشهور را نیز در کتاب خود گرد آورده است. بنابراین، این کتاب که انتخاب احادیث آن بر اساس حجیت و اعتبار مصادر و اسناد آنهاست، برای محققان علوم مختلف اسلامی از جمله کلام، تفسیر، فقه، اخلاق و تاریخ مفید خواهد بود.

این مجموعه شامل ۷۱ کتاب در هشت جلد است. مؤلف در انتخاب احادیث این مجموعه، افزون بر اعتبار حجیت اسناد، به اعتبار منابع هم توجه داشته و از ذکر برخی احادیث معتبر که در صحت منابعشان یا انتساب آنها به مؤلفشان تردید داشته، پرهیز کرده است. اگر گاهی نیز حدیثی از این دست آورده، آن را بدون شماره مسلسل — که علامت سند است — ذکر کرده است. گرچه قصد مؤلف در این کتاب نگارش تعلیقه یا شرح و توضیح مفاد احادیث نبوده، گاهی بنا بر برخی ملاحظات، تعلیقه‌هایی بر احادیث نگاشته است.

احادیث این مجموعه دو شماره دارد؛ یکی شماره مسلسل و دیگری شماره احادیث ابواب. در برخی موارد که برای حدیثی به جای شماره مسلسل، عدد صفر گذاشته شده، یا آن حدیث تکراری است یا اعتبار سند آن محل تردید است. عدد احادیث شماره‌گذاری شده نشان می‌دهد که شمار احادیث معتبر شیعه از دیدگاه این کتاب فراتر از ۱۱ هزار و ۵۲۳ نمی‌رود.

ترتیب ابواب این کتاب مانند سایر کتاب‌های حدیثی است، اما ترتیب کتب تا حدی تغییر یافته و از سیاق سنتی سایر منابع پیروی نشده است. برای نمونه، کتاب الرواة (رجال)، کتاب الحکومه و کتاب اصول الفقه را می‌توان نام برد که این عناوین در سایر منابع دیده نمی‌شوند.

در این مجموعه همه اسناد معتبر احادیثی که چند سند معتبر دارند، ارائه شده و اگر گاهی حدیثی با سند ضعیف از منبعی نقل شده، سندی معتبر از منبعی دیگر برای آن آورده شده است. در ضمن، از نقل احادیث مربوط به «عبد» و «أمة» (غلام و کنیز) به سبب از بین رفتن زمینه‌های فرهنگی آن اجتناب شده است.

اینها با آیت‌الله محمدآصف محسنی که در کابل ساکن است، گفت‌وگویی تلفنی درباره «معجم الاحادیث المعبره» و برخی ابهام‌ها و پرسش‌ها درباره آن داشته که در ادامه می‌خوانید.

اهمیت این کار و آثاری را که در آینده، جهان تشیع خواهد داشت، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اعتباری که متن یک روایت پیدا می‌کند به سند آن است. هنگامی که روایتی سند ندارد یا سند آن ضعیف است، متن روایت از اعتبار ساقط می‌شود. البته در فقه، گاه اگر سند روایت ضعیف باشد اما مشهور علمای شیعه به آن عمل کرده باشند، عده‌ای گفته‌اند که این روایت معتبر

است حتی اگر سندش ضعیف باشد چون مشهور به آن عمل کرده‌اند و عمل مشهور، این متن را معتبر می‌سازد. اما عده‌ای دیگر مانند شهید ثانی و استادش می‌گویند عمل مشهور برای اعتبار متن کارساز نیست و بنابراین، عمده و مهم، سند حدیث است.

این کتاب هشت جلدی برای این نوشته شد که مردم بدانند سند کدام روایت‌ها معتبر است. البته این جمله به این معنا نیست که ۱۰۰ درصد این روایت‌ها مفید و قابل عمل است، بلکه به این معنی است که غالب سندهایی که روایت شده است، غالب مراجعان می‌توانند احادیث آنها را معتبر بدانند و به متونشان عمل کنند.

آیا کسی می‌تواند بر اساس این کتاب، عقاید، فقه، اخلاق، آداب و سنن، تفسیر و تاریخ انبیا را از دیدگاه امامیه بنویسد بدون آن که به کتاب روایی دیگری نیاز داشته باشد؟

همه این مطالب با سندهای معتبر در کتاب وجود دارد اما در فقه و در عمل، برخی می‌گویند اگر یک خبر باشد و معتبر هم باشد، کفایت می‌کند. عده‌ای دیگر می‌گویند که در فقه برای عمل، یک روایت اگر معتبر باشد، کفایت می‌کند اما در عقاید گاهی یک یا چند روایت حتی اگر معتبر هم باشد، کفایت نمی‌کند زیرا خبر واحد ظنی است و در مسائلی که علم، معتبر است، تنها خبر متواتر است که کفایت می‌کند.

بنابراین در مسائلی که برای آنها علم، معتبر است، باید اخبار، متواتر باشند. اما در مسائلی که خبر واحد کفایت کند، جواب پرسش شما مثبت است.

جناب عالی در مقدمه کتاب نوشته‌اید که اگر حدیثی سندش درست بوده اما در مخالفت با عقل، قرآن، سنت معلومه یا دیگر مسائل یقینی قرار داشته است، درباره آن حاشیه و توضیح نوشته‌اید ...

این نظر، تنها حرف من نیست. این را همه فقهای شیعه قبول دارند. اگر سند یک روایت معتبر باشد اما متن آن مخالف کتاب، اجماع قطعی یا عقل باشد، آن روایت معتبر نیست بلکه بر اشتباه راوی حمل می‌شود و گفته می‌شود که راوی اشتباه کرده است. بنابراین اگر روایتی حتی اگر سندش معتبر باشد اما مخالف آیه قرآن مجید به تباین یا عام و خاص من‌وجه یا مخالف عقل یا اجماع قطعی باشد، آن روایت به تأویل برده می‌شود یا طرح می‌شود یا بنا به احتیاط، به قائلش برمی‌گردانیم. در هر حال، این روایت معتبر نیست.

روایات معتبر کتاب‌هایی مانند نهج البلاغه که سند ندارد یا «صحیفه سجادیه» را که امکان دارد در سلسله روایت، مشکل داشته باشد، به چه صورت در این کتاب درج کرده‌اید؟ یعنی اگر قرار باشد این کتاب، موسوعه باشد باید موارد صحیح امثال این دو کتاب را به نحوی در کتاب خود جای داده باشید.

برای «نهج البلاغه» قرائتی وجود دارد که ابن‌ابی‌الحدید در مقدمه شرح نهج البلاغه خود آنها را نقل می‌کند. برخی اهل سنت گفته‌اند که کلمات نهج البلاغه، از سید رضی است و او آنها را به علی (ع) نسبت داده است. ابن‌ابی‌الحدید که مرد توانایی است، این سخنان را رد می‌کند و قرائن را بیان می‌دارد. در مجموع من حیث مجموع — نه برای کل واحد

یعنی هر یک از نقل‌های نهج البلاغه — می‌توان گفت که این کتاب از سخنان امیرالمؤمنین (ع) گردآوری شده است اما برای کل واحد — یعنی هر یک از نامه‌ها، خطبه‌ها و حکمت‌های آن — چنین نیست و برای هر یک از آنها دو حالت وجود دارد و آنها دو قسم دارند؛ هر کدام از آنها را که سندی معتبر داشت، قبول می‌کنیم. من در شهر قم دیدم که مؤلفی اسانید روایات نهج البلاغه را پیدا کرده و در یک کتاب نوشته است. اگر سندها معتبر باشد، قبول می‌کنیم. اگر سندها مورد قبول نبود و قرائن خاصی برای آن جمله نهج البلاغه در میان روایات معتبر موجود نبود، می‌گوییم: و الله العالم.

یک مطلب دیگر این که بعضی از جملات نهج البلاغه که به دلیل بودنش در نهج البلاغه مرسل نقل شده، در کافی با سند صحیح نقل شده است. ما آنها را که سند صحیح داشته‌اند، نقل کرده‌ایم. مثلاً جمله‌ای در نهج البلاغه از علی (ع) است اما در کافی به سند معتبر از امام صادق (ع) آمده است؛ یک متن با جملات واحد؛ سند کافی هم معتبر. من آنها را در این کتاب نقل کرده‌ام.

آنهايي هم که سند معتبر داشته باشد اما در کتاب‌های معتبر ما نباشد — مثل کارهای این آقای که اسانید نهج البلاغه یا آن آقای که مستدرک نهج البلاغه را نوشته است — اگر سند، صحیح باشد، ما آن را بر سر و چشم می‌گذاریم و قبول می‌کنیم.

ولی اگر سند معتبر نداشت، توقف می‌کنیم؛ می‌گوییم: نقل عن امیرالمؤمنین، نمی‌گوییم: قال امیرالمؤمنین.

شما سند «صحیفه سجادیه» را معتبر می‌دانید؟

این کتاب نیز همین‌طور است. از مجموع صحیفه سجادیه من حیث مجموع، انسان مطمئن می‌شود که این کتاب جعلی نیست و از امام چهارم سلام الله علیه است. اما برای هر جمله آن مشکل است بگوییم که این کتاب مانند قرآن نه یک کلمه کم شده است و نه یک کلمه زیاد. در مجموع من حیث مجموع، این کتاب به لحاظ انتساب به امام چهارم — سلام الله علیه — تواتر اجمالی دارد نه تواتر تفصیلی؛ یعنی وقتی روایتی از آن سند نداشته باشد، نمی‌توان در آن روایت ادعای تواتر کرد. بنابراین برای کل واحد (یعنی هر یک) از احادیث آن اگر سند معتبر وجود داشت، خوب. اما اگر سند معتبر وجود نداشت، باید توقف کرد.

پیش از شما فعالیت‌هایی ناقص در پالایش بخشی از احادیث شیعی صورت گرفته است که در راستای فعالیت کامل شماست. از جمله می‌توان «منتقى الجمان» را نام برد. شما هم در مقدمه کتابتان ذکر کرده‌اید که این کتاب، تنها بخشی از کار شماست و منابع شما و دایره روایات شما بیشتر و فراخ‌تر از آن است. سؤال این است که آیا شما کتاب «صحیح الکافی» نوشته محمدباقر بهبه‌ودی را هم که شامل روایات صحیح اصول کافی است، قبلاً ملاحظه کرده بودید؟ نظر شما درباره این کتاب چیست؟

«منتقى الجمان» نوشته شیخ حسن فرزند محترم شهید ثانی علیه‌الرحمه را در دوران جهاد افغانستانی که در قم بودم، دیدم اما آن را تعقیب نکردم زیرا اولاً این کتاب فقط سند صحیح و حسن را گزینش می‌کرد و سند مؤثق را قبول نداشت در حالی که من هر سه تا را قبول داشتم. بنابراین برای من قابل استفاده نبود. ثانیاً این کتاب، تنها موارد فقهی را در بر می‌گرفت و در فقه هم تنها تا کتاب حج بود. من که از اول کافی در جزء و کل با ترتیبی جدید در همه زمینه‌ها کار کرده‌ام دیگر به آن کتاب مراجعه نکردم.

اما کتاب آقای بهبه‌ودی را ندیدم. البته قصد داشتم «صحیح الکافی» را مطالعه کنم که موفق نشدم آن را به افغانستان بیاورم و مطالعه نکردم. ولی کتاب دیگری از ایشان دیدم که در آن حماد بن عیسی را تضعیف کرده بود

که به نظر من تضعیف حماد بن عیسی بی‌انصافی است و مستندات ایشان اشکال دارد. من در کتاب «بحوث فی علم الرجال» به دلایل ایشان جواب داده‌ام.

در مجموع، همه اصول و قواعدی را که کتاب «معجم الاحادیث المعبره» را بر اساس آن تألیف کرده‌ام، در کتاب «بحوث فی علم الرجال» آورده‌ام. در چاپ چهارم این کتاب که توسط جامعه‌المصطفی در قم انتشار یافت، جلد پنجم آن کامل‌تر شد و این کتاب اخیراً به چاپ پنجم رسیده است.

چه کارهایی در دست تألیف دارید؟

در حال حاضر در حوزه علمیه خاتم‌النبيين کابل به تدریس دوسه درس مشغول هستم. آخرین کتابی که نوشته‌ام، موضوعش معاد است که در شهر کابل به چاپ رسیده است.

سخنی دیگر دارید؟

این کار شایسته‌ای است که این مسائل، آهسته آهسته و به آرامی در فضای اخلاص و صمیمیت حل شود. البته هرکس اشتباه دارد. همان‌طور که من از دیگران ایراد گرفته‌ام و اینها را نوشته‌ام، باید با سعه صدر فرمایش‌های دیگران نسبت به کتابم را بشنوم تا اشتباهاتم را رفع کنم. * * *

آیت الله محمد آصف محسنی پنجم اردیبهشت ۱۳۹۴ در شهر قندهار افغانستان به دنیا آمد. در سال ۱۳۲۷ با پدرش به پاکستان رفت و در آنجا زبان اردو آموخت. در سال ۱۳۳۱ کارمند اتاق‌های تجارت شهر قندهار شد، اما به سبب علاقه شدید به تحصیل علوم دینی این شغل را رها کرد و به تحصیل پرداخت. سپس در ولسوالی جاغوری مدت هشت ماه به فراگیری ادبیات و منطق پرداخت.

در سال ۱۳۳۲، به نجف اشرف رفت و در طول دو سال و نیم دروس سطوح را به پایان رساند. سپس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام سید محسن حکیم، شیخ حسین حلی، سید عبدالاعلی سبزواری و آیت‌الله ابوالقاسم خویی فرا گرفت.

پس از دوازده سال تحصیل در نجف، به زادگاهش قندهار بازگشت و حسینیه بزرگ قندهار و مدرسه علمیه آن شهر را تأسیس کرد. وی در سال ۱۳۵۷ به حج و سپس به سوریه رفت و چند ماهی در شهر دمشق مشغول تدریس علوم حوزوی شد. آن‌گاه به ایران آمد و در سال ۱۳۵۷ با جمعی از روحانیون افغانستان مقیم در حوزه علمیه قم، حزب «حرکت اسلامی افغانستان» را تأسیس کرد.

وی منشی و سخنگوی شورای رهبری دولت اسلامی افغانستان در دوران حاکمیت اولیه دولت مجاهدین در کابل بود. پس از وقوع جنگ‌های داخلی میان گروه‌های مجاهدین، کابل را ترک گفت و مدتی مقیم شهر اسلام‌آباد پاکستان شد. در سال ۱۳۷۶ به قم مهاجرت کرد و در این شهر به تدریس خارج فقه، علم کلام و علم رجال پرداخت. بعد از سقوط حکومت طالبان به کابل بازگشت و همچنان در این شهر ساکن است. از مهم‌ترین اقدامات وی در کابل رسمیت بخشیدن به مذهب شیعه، تأسیس شبکه تلویزیونی «تمدن» و ساخت مجتمع بزرگ علمی و فرهنگی خاتم‌النبيين (ص) است.

آیت‌الله محمدآصف محسنی بیش از ۶۳ کتاب تألیف و منتشر کرده که از آن جمله است: صراط‌الحق، حدود الشریعة فی محرّمات‌ها و واجبات‌ها، عقاید اسلامی، فوائد رجالية، متافیزیک، قرآن یا سند اسلام، فوائد دین در زندگانی، اقتصاد معتدل، معجم الاحادیث المعبره، الفقه و مسائل طبیة، حکومت اسلامی، مشرعة بحارالانوار، الضمانات الفقهية و اسبابها، القواعد الاصولية و الفقهية، روح از نظر دین، عقل و علم روحی جدید، بحوث فی علم الرجال، تقریب مذاهب از نظر تا عمل، روش جدید اخلاق اسلامی، مباحثی درباره حکومت اسلامی و فوائد دمشقیه.

«معجم الاحادیث المعبره» در سال ۱۳۹۲ از سوی نشر ادیان در ۸ جلد به قطع وزیری با مجموع ۴۲۷۲ صفحه به بهای ۱۴۵ هزار تومان منتشر شده است.

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ایران، با انتقاد از افرادی که به گفته او حرکت‌هایی کردند که به خیال خودشان دارند از انقلاب، اسلام و ولایت دفاع می‌کنند، در حالی که مقام‌معهظم‌رهبری آن حرکت‌ها را تقبیح کردند، گفت: برای حفظ انقلاب نباید و نمی‌توان پا روی احکام اسلام گذاشت و با هیچ توجیهی نیز قابل قبول نیست که دروغ بگوییم، هتک‌حرمت کنیم، تهمت بزنیم، شایعه دروغ بیان کنیم تا رقیب سیاسی خود را به زمین بزنیم و بعد ادعا کنیم که انقلاب و اسلام را حفظ می‌کنیم.

حجت‌الاسلام‌المسلمین سیدمحمود علوی در جشن سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی که به همت جبهه پیروان امام و رهبری استان قم، در مسجد امام زین‌العابدین(ع) قم برگزار شد، گفت: دهه فجر یادآور حماسه‌های ماندگار پیروزی انقلاب است و هرسال در روز ۲۲بهمن، آن حماسه را با حضور فراگیر مردم در حال تکرار می‌بینیم؛ به‌واقع راهپیمایی هرساله در روز ۲۲بهمن، پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ را تثبیت کرده است.

وی با بیان اینکه کار امام‌خمینی(ره) متفاوت با تمام کسانی بود که در جهان، به انقلاب دست زده بودند، گفت: انقلاب اسلامی ایران دنیا را به حیرت افکند، به گونه‌ای که شاهد به چالش کشیده‌شدن نظریه‌پردازان در عرصه انقلاب‌ها شدیم، به‌گونه‌ای که مفسران مسایل سیاسی و انقلاب‌ها در دنیا، هنوز نتوانسته‌اند نظریاتی برای تفسیر انقلاب اسلامی ایران ارایه کنند.

وزیر اطلاعات در ادامه سخنان خود با بیان اینکه انقلاب اسلامی ایران که برای احیا و اجرای احکام اسلام به پا شده است، با اجرای احکام حفظ می‌شود، گفت: برای حفظ انقلاب نباید و نمی‌توان پا روی احکام اسلام گذاشت و با هیچ توجیهی نیز قابل قبول نیست که دروغ بگوییم، هتک حرمت کنیم، تهمت بزنیم، شایعه دروغ بیان کنیم تا رقیب سیاسی خود را به زمین بزنیم و بعد ادعا کنیم که انقلاب و اسلام را حفظ می‌کنیم.

وی با بیان اینکه کارهای غیراخلاقی مانند تهمت‌زدن، دروغ گفتن ... با فرهنگ انقلاب، اسلام، امام(ره) و رهبری که تداوم گام‌به‌گام و دقیق امام(ره) است جور در نمی‌آید، خاطرنشان کرد: برخی حرکت‌هایی کردند که به خیال خودشان دارند از انقلاب، اسلام و ولایت دفاع می‌کنند، در حالی که مقام‌معهظم‌رهبری آن حرکت‌ها را تقبیح کردند.

علوی افزود: پیش از تقبیح حضرت آقا (رهبری) این افرادی که با کارهای غیراخلاقی به خیال خودشان کار انقلابی می‌کردند، فکر می‌کردند هنر کرده‌اند، یا کار قهرمانانه کرده‌اند؛ در حالی که این کارها یعنی خروج از چارچوب طبیعی نظام و انقلاب.

وزیر اطلاعات گفت: برای حفظ انقلاب مگر می‌شود حرمت‌ها را شکست؟ اکنون بولتن‌هایی به دست ما می‌رسد که مرتبط با ما است و دروغ صددرصد است؛ مثلاً می‌گویند که جلسه‌ای میان فلانی، دکتر روحانی و فلان وزیر صورت گرفته که فلان صحبت‌ها بیان شده است، به این کلام‌الله مجید به این قرآن اصلاً چنین جلسه‌ای نبوده است که چنین صحبت‌های بیان شود؛ من نمی‌دانم اینها چگونه می‌خواهند با دروغ گفتن ولایت، انقلاب و اسلام را حفظ کنند؛ یا می‌گویند حاج‌حسن‌آقا به فلانی سفارش کرده است که این فرد را به وزارت اطلاعات ببرید و پسر فلانی نیز در فلان حوزه و فلان تاریخ با ایشان ملاقات کرده است، به همین قرآن قسم اسم آن فردی را که گفته‌اند من اصلاً نمی‌شناسم کیست و حاج‌حسن آقای خمینی یک‌بار به بنده سفارش نکرده است که کسی را ببرم اطلاعات؛ بنده آن حوزه را نمی‌دانم کجاست. پسر بنده نیز به کارهای وزارت هیچ کاری ندارد، فقط وزارت بنده باعث دردسر او شده است، وکیل پایه یک دادگستری است که بیچاره شده است و به من می‌گوید پدر کدام کار را بپذیرم و کدام را نپذیرم،

گفتم هر کاری مربوط به وکالت است بپذیر و هر کاری که به سبب پسرفلانی‌بودن مراجعه کردند قبول نکن، گفت منم این اساس را قرار داده‌ام؛ گفتم تحمل کن، اینها برای خدمت است؛ بعد از پسرم پرسیدم گفت من نه چنین کسی را می‌شناسم و نه چنین حوزه علمیه‌ای را بلدم و نه چنین دیداری بوده است.

او تأکید کرد: خب این دروغ‌ها برای چه است؟ می‌خواهید با این دروغ‌ها اسلام و انقلاب را حفظ کنید؟ ولایت‌مداری را حفظ کنید؟ بنده به‌عنوان عضو کوچک دولت تدبیر و امید، برای ما در وزارت اطلاعات آنچه مهم است کار اطلاعاتی و خدمت به مردم در چارچوب شرع، اخلاق و قانون کشور است؛ در این چارچوب نیز بهترین کارهای اطلاعاتی صورت می‌گیرد، افراد اشتباه می‌کنند که خیال می‌کنند در این چارچوب نمی‌توان کار اطلاعاتی کرد، درحالی‌که خیلی موثرتر و زیباتر می‌توان خدمت کرد.

وزیر اطلاعات تصریح کرد: برای ما مهم این است که مردم احساس امنیت و آرامش کنند؛ دانشگاه، بازار و همه احساس امنیت کنند، مشغول کار خود بوده و به زندگی بپردازند، چرخ مملکت را به حرکت در آورند و هرکس به فعالیت‌های خود بپردازد؛ هرصنفی مشغول کار خود باشد؛ مردم نفس راحت بکشند؛ وزارت اطلاعات رسالت خود را امروز در خفه کردن صدای گلوله دشمن می‌بیند؛ در چندروز اخیر دوگروه تروریستی که معلمان و بسیجیان را به شهادت رسانده بود، در سراوان به همت سربازان گمنام امام‌زمان(عج) و با همکاری دیگر نیروهای نظامی و انتظامی ضربه سنگینی خوردند و توان عملیاتی‌شان پایین آمد، آن وقت معلمان شهادت می‌دهند که عده‌ای در آنجا سوءاستفاده سیاسی می‌کردند.

وی ادامه داد: باید دست‌به‌دست هم بدهیم، گرایش‌های سیاسی متفاوت داشته باشیم، اصولگرا، اصلاح‌طلب و مستقل داشته باشیم، با هم در عرصه‌های سیاسی رقابت سالم بکنیم ولی با هم برادر باشیم؛ دست وحدت بدهیم، راز و رمز پیروزی انقلاب اسلامی ما در وحدت است، بزرگترین هدف دولت این است که وحدت زنده شود، ادب در جامعه ما زنده شود، دیگر کسی را در حرم حضرت‌معهصومه(س)، امام‌رضاع(ع) و امام‌راحل مورد وهن قرار ندهیم، به نیت دفاع از انقلاب و حفظ آن ادب و اخلاق برگردد، دروغ، تهمت و افترا برود.

حجت‌الاسلام‌المسلمین علوی تأکید کرد: دولت به‌دنبال به‌حاشیه‌بردن هیچ جناح سیاسی نیست؛ نه مثل دولت‌هایی که اصولگرایان را به حاشیه راندند و نه مثل دولت‌هایی که اصلاح‌طلبان را به حاشیه راندند؛ این دولت به‌دنبال این است که همه زیر پرچم رفیع رهبرمعهظم‌انقلاب جمع شده و در جهت اهداف و آرمان‌های انقلاب حرکت کنند؛ این راهبرد دولت تدبیر و امید است، ما اگر بخواهیم بر دشمن غالب شویم و در عرصه مذاکرات هسته‌ای با عزت و عظمت امت اسلام و جمهوری اسلامی کار را به پایان برسانیم، باید زیر چتر مقام‌معهظم‌رهبری و با وحدت حرکت کنیم، البته نقد بکنیم، در نقد به هم توهین نکنیم و شخصیت هم را نشکنیم، فکر را نقد کنیم، عملکرد را نقد کنیم، ولی به همدیگر احترام بگذاریم.

وی بیان کرد: دولت با آغوش باز از انتقاد مشفقانه و منصفانه استقبال می‌کند؛ امیدواریم با همدلی و دست برداری به‌هم‌دادن همه جریان‌های سیاسی در جهت اهداف انقلاب قدم برداریم، همه سرباز باشیم و میان خود مهربانی داشته و در برابر دشمن ید واحده باشیم. وزیر اطلاعات در ادامه سخنان خود با بیان اینکه انقلاب ما با سایر انقلاب‌ها متفاوت بود و سبب حیرت جهانیان شد، بیان کرد: این انقلاب نظریه‌پردازان مختلف را دچار چالش کرد؛ هنوز نتوانسته‌اند نظریاتی را ارائه‌دهنده که انقلاب را تفسیر کنند؛ چراکه این انقلاب ما متکی بر ملاک‌ها و ارزش‌های آنها نبود.

وی افزود: امام‌راحل شاگرد مکتب اسلام، قرآن و عترت بودند؛ از این‌رو قیام و انقلاب ایشان از ویژگی‌های خاص خود برخوردار است؛ یکی از ویژگی‌های انقلاب

وزیر اطلاعات مطرح کرد:

بولتن هایی صددرصد دروغ

این است که امام در نقطه یأس دست به حرکت زدند؛ یعنی هیچ تحلیلگری شرایط را برای انقلاب مناسب نمی‌دانست.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین علوی خاطرنشان کرد: امام(ره) به نیرو و توان توجه نکردند؛ چراکه بر پایه آموزه‌های اسلامی دست به حرکت زده و تنها به‌دنبال انجام تکلیف و وظیفه بودند؛ ایشان وقتی برای اسلام احساس خطر کردند، دست به حرکت زدند تا از اسلام دفاع کنند. وی ادامه داد: امام(ره) چون به‌دنبال انجام تکلیف بودند به نیرو، توان و حمایت افراد توجه نکردند؛ بلکه ایشان به‌دنبال ادای تکلیف خود بودند، فردی که به تکلیف فکر می‌کند به نتیجه فکر نمی‌کند، امام‌خمینی(ره) نیز فرمودند «ما مامور به تکلیف هستیم نه نتیجه.»

وزیر اطلاعات با بیان اینکه امام(ره) در زمانی دست به قیام زدند که هیچ زمینه‌ای برای انقلاب پیش‌بینی نمی‌شد، یادآور شد: شاه پس از رحلت حضرت آیت‌الله بروجردی خیال کرد می‌تواند دست به هر کاری بزند؛ ولی امام‌خمینی(ره) در این شرایط در برابر کارهای شاه ایستادگی کردند.

وی عنوان کرد: مبارزان انقلاب روحانیان، بازاری‌ها، سیاسیون و دانشجویان بودند، ولی هیچ هماهنگی‌ای

مرجع عالی شیعیان عراق خطاب به نیروهای داوطلب این کشور در جهاد علیه تروریست‌های «داعش»، ۲۰ توصیه صادر و آنها را به رعایت حقوق همه شهروندان در مناطق درگیری سفارش کردند.
آیت‌الله «سیدعلی سیستانی» خطاب به افراد داوطلب که سرگرم نبرد با داعش هستند، ۲۰ مورد زیر را توصیه کرد:

۱- همانا پروردگار سبحان، همانگونه که بر جهاد تأکید و به آن دعوت کرده‌اند، این جهاد را یکی از ستون‌های اصلی دفاع از دین قرار داده و مجاهدان را بر دیگران ترجیح داده است. همانا پروردگار برای این جهاد حدود و آدابی قرار داده که رعایت آنها موجب حکمت و عمل به آنها براساس فطرت انسان است. لازم است که به این نکات توجه گردد. هرکس به این اصول توجه و به آنها عمل کند، فضیلت مشارکت در (جهاد) شامل حالش می‌شود و از برکات آن بهره‌مند خواهد شد و هر کس به آن توجه نکند، یا در عمل به آنها تملل ورزد، اجر عملش را از دست خواهد داد و هرگز به مقصود نخواهد رسید.

۲- لذا، جهاد آداب عام دارد و این آداب باید مورد توجه قرار گیرند. این آداب را حتی در قبال غیرمسلمانان باید رعایت کنید و پیامبر گرامی(ص) نیز همواره به رعایت آنها سفارش می‌کردند.

۳- در نبرد با خواجه و کسانی که بر دین خروج می‌کنند نیز، آدابی در نظر گرفته شده که از امام علی(ع) و سیره ایشان و توصیه‌های او به یارانش به ما رسیده که امت در مورد آنها اتفاق نظر دارد.

۴- زنهار شما را از قتل مردم بی‌گناه، که پروردگار بر آن تأکید دارد. هرگز نباید به این حقوق تعرض شود، مگر در مواردی که اجازه داده شده است... بزرگترین گناه قتل انسان بی‌گناه است...

۵- زنهار شما را از تعرض به عامه مردم که با شما نبرد نکرده‌اند، به خصوص مستضعفانی که سالخورده، کم‌سن و سال و زنان جامعه هستند. حتی اگر اینها با کسانی باشند که با شما سر جنگ دارند. تنها حرمت کسانی که با شما می‌جنگند، لازم نیست رعایت شود و اموال آنها را تنها می‌توانید بگیرید.

۶- زنهار شما را از تهمت زدن به مردم براساس دین و متهم کردن آنها به این دلیل، و از این طریق بخواهید به آنها تعرض کنید. همانگونه که خواجه در صدر اول اسلام و پس از آن در این زمان قومی که اهل فقه دین نبودند به آن دست زدند و براساس برداشت‌های شخصی و هواهای نفسانی به آن مبادرت کردند و در این راه با

میان این گروه‌ها وجود نداشت و کارها به‌گونه‌ای پیش می‌رفت که کسی حاضر به مبارزه نبود و امام‌راحل در این شرایط قیام کردند و نخست خلأ رهبری را پر کردند.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین علوی با اشاره به دعوت علماء، دانشجویان، بازاریان، سیاسیون و آحاد مردم از سوی امام‌راحل برای مبارزه خاطرنشان کرد: امام‌خمینی(ره) نخست عقبه خارجی رژیم پهلوی را شکستند، سپس با یک لحن دارای صلابت پس از نصیحت شاه و بی‌اثربودن این نصیحت، به مبارزه با او پرداختند و با این کار آنها را به یک قدرت پوشالی تبدیل کردند.

وی ادامه داد: امام(ره) ایده خود را از مکتب اسلام گرفته بودند و می‌دانستند که این مسیر یک مسیر خطرناکی است؛ ایشان باور داشتند که یاری خدا در سختی‌ها می‌رسد؛ انقلاب امام(ره) نیز با چارچوب‌های اسلامی قابل‌فهم، درک و دوام است.

وزیر اطلاعات با بیان اینکه آمریکایی‌ها معتقدند بودند که ایران جزیره امن است، بیان کرد: امام(ره) در این زمان حرکت خویش را آغاز کردند؛ هدف ایشان نیز همانند هدف انبیا و اهل‌بیت(ع) بود، امام‌خمینی(ره) می‌خواستند اسلام را در جامعه پیاده کنند، ایشان به‌دنبال اهداف مادی نبودند.

۲۰ توصیه حضرت آیت‌الله سیستانی به نیروهای مسلح در حال جنگ با داعش

برخی از متون متشابهی که داشتند آن را توجیه کردند و پس از آن بود که مسلمانان با هم دچار بلایی شدند...
۷- بر حذر می‌دارم شما را از تعرض به غیرمسلمانان حال دین و مذهبش هرچه که بخواهد باشد. فرقی نمی‌کند، چرا که آنها در حمایت مسلمانان هستند...

۸- زنهار شما را از تعرض به اموال مردم، چرا که اموال یک مسلمان بر غیر او حلال نیست، مگر اینکه با رضایت وی تسلیم شود. از این رو هر کس که اموال دیگری را غصب کند، قطعه‌ای از جهنم را به خود اختصاص داده است.

۹- زنهار شما را از ارتکاب به همه فعل‌های حرام.... شما را بر حذر می‌دارم از مجازات کسی به خاطر گناه دیگری.

۱۰- هیچ قومی را از حقوق‌شان منع نکنید ولو اینکه شما را به خشم آورند ولی با شما نبرد نکرده باشند.

۱۱- بدانید بیشتر کسانی که با شما می‌جنگند، به دلیل گمراهی توسط دیگران و به اشتباه به این کار دست می‌زنند... با آنها با رفتار سنجیده و درست عمل کنید... تا راستی شما بر آنها ثابت گردد...

۱۲- هرگز گمان نکنید که با ظلم می‌شود مسئله‌ای را درمان کرد، در حالی که با عدالت می‌توان آن را حل نمود...

۱۳- در برخی موارد هرچند با خویشتن‌داری و کنترل خود و ارانه برهان کامل – با هدف رعایت موازین و ارزش‌های عالی – ممکن است برخی خسارت‌ها در کوتاه‌مدت به انسان برسد، اما این راه برکات بیشتر و عاقبت‌پسندیده‌تر و نتایج بهتر می‌تواند در پی داشته باشد...

۱۴- برای کسانی از مردم حامیانی نصیحت‌کننده باشید تا در حمایت از شما و یاری‌تان مقابل دشمن عمل کنند و همچنین به ضعفای آنها در صورت توان یاری کنید، چرا که آنها برادران و خانواده‌های شما هستند...

۱۵- مبادا توجه به نمازهای واجب را فراموش کنید، چرا که کسی نیست برای پروردگار سبحان عملی انجام دهد که از نماز فضیلتش بالاتر باشد...

۱۶- با یاد بسپار از ذکرالله سبحانه و تعالی و تلاوت قرآن کریم، برای خود کمک بگیرید و دیدارتان با پروردگار را به یاد آورید....

آیت‌الله سیستانی در دیگر توصیه‌های خود، نیروهای جهادکننده مردمی را به دوری از شتابزدگی، حفظ اتحاد میان خود و پرهیز از تعصبات ناپسند سفارش کرده است. این توصیه‌ها بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت.

بنابراین شما وظیفه دارید برای تبلیغ آنجا بروید. آیت‌الله موحّد ابطّحی هم (غیر از ایام تحصیل) در زمان‌هایی که طلبه‌ها برای تبلیغ می‌روند مثل ماه رمضان، ماه محرم و ایام فاطمیه، روزی که درس تموم می‌شد فوری با اتوبوس به منطقه می‌رفتند که برای نخستین بار در اقلید موفق به کشیدن خیابانی شدند که نام آن را به اسم «امام زمان» گذاشتند. علاوه بر آن مدرسه، حمام، حسینیه و میدان و آثار عمرانی - دینی دیگری ساختند که همگی آنها به اسم امام زمان، صاحب زمان، بقیع‌الله و ابوالصالح است. بنابراین، اینکه آقا فرمودند اقلید، شهر امام زمان(عج) است این نامگذاری برگرفته از خدمات آیت‌الله ابطّحی بود.

استاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در ادامه شرح دیگر اقدامات مهم آیت‌الله محمدباقر موحّد ابطّحی تصریح کرد: یکی از اقدامات آیت‌الله سیدمحمد باقر موحّد ابطّحی مربوط می‌شود به سال ۴۲ وقتی که امام(ره) دستگیر شدند و صحبت از اعدام حضرت امام به میان آمد. آیت‌الله موحّد ابطّحی که در آن زمان در نجف بودند، شبانه جمعی از علما و فضلا همچون آیات عظام خوبی، خوانساری، شیرازی و سیدمحمد شاهرودی را جمع کردند و به منزل آیت‌الله‌العظمی سید محسن حکیم رفتند تا ایشان با فشار به شاه ایران جلوی این اعدام را بگیرند که ایشان نیز با رئیس جمهوری وقت عراق ارتباط برقرار کردند که باعث شد آسیبی به حضرت امام وارد نشود.

همچنین از جمله دیگر اقدامات عمرانی و اجتماعی آن فقیه بزرگوار ساخت بزرگترین تونل خاورمیانه در جاده اقلید به یاسوج است که این تونل بعد از ۸ سال با طول ۲۶۱۰ متر با پیشنهاد و پیگیری‌های آیت‌الله موحّد ابطّحی ساخته شد تا دسترسی به ۹۰ پارچه آبادی از طریق این جاده با امنیت و سرعت بیشتری برقرار شود. اکنون این تونل افتتاح شده است و مردم از طریق آن رفت و آمد می‌کنند که البته بخشی از آن نیاز به تکمیل شدن دارد.

ماجرای روزهای آخر

حجت‌الاسلام و المسلمین میرلوحی با بیان اینکه قضایای روزهای آخری که آیت‌الله ابطّحی به دانشگاه امام صادق علیه‌السلام آمدند، قصه عجیبی دارد، گفت: روز آخری که آیت‌الله موحّد ابطّحی به اینجا آمدند شنبه ظهر بود که از قبل از نماز، خدمت آیت‌الله مهدوی کنی و آیت‌الله باقری کنی بودند. سر ناهار خطاب به آیت‌الله مهدوی کنی فرمودند: «به من فرموده‌اند مردم را!» نگفتند امروز یا فردا، بلکه منظور ایشان این بود که روزهای آخرم است.

حاج‌آقا مهدوی طبق معمول شوخی کردند و گفتند که آن‌شالله تا ۱۲۰ سال هستید. گفتند نه جناب آقای مهدوی شوخی نمی‌کنم و جدی می‌گویم، آدمم اینجا و وصیتنامه‌ای آوردم و این ۹ نفر را وصی خود قرار می‌دهم. در میان اسامی ۴ نفر از خوان که همه از علما هستند، من با چند نفر دیگر بودیم.

از این‌رو به ایشان گفتم من وقت ندارم و گرفتار دانشگاه، مدرسه و مسجد هستم و همچنین به‌خاطر کسالت نمی‌توانم. گفتند برای این آمدم که آیت‌الله مهدوی به شما امر کنند و حاج آقای مهدوی هم به بنده امر کردند که این کار را قبول کنید.

این در وقتی است که حاج آقای مهدوی همیشه به من می‌گفتند که هیچ کار دیگری نکنید و هیچ جایی نروید تا فقط کارهای دانشگاه را انجام دهید.

و عجیب‌تر اینکه آقای مهدوی بعد از فوت مرحوم ابطّحی فرمودند که ای کاش من رفته بودم و آقای ابطّحی مانده بود از بس عمر ایشان با برکت بود که آقای مهدوی چنین فرمودند.

من این نقل قول از آیت‌الله مهدوی کنی را اجازه پخش از تلویزیون ندادم ولی حالا که آقای مهدوی از دنیا رفته‌اند، این را می‌گویم.

آیت الله ابطّحی، مفسر موضوعی قرآن کریم

«شخصیت علمی آیت الله موحّد ابطّحی در گفت و گو با حجت الاسلام میرلوحی»



امیر رضا قویدل: آیت‌الله سید محمدباقر موحّد ابطّحی، از علمای برجسته حوزه که سال گذشته، در ۱۶ بهمن‌ماه دار فانی را وداع گفت، از جمله عالمان دینی بود که در رشته‌های گوناگون علوم اسلامی بویژه حدیث و رجال پژوهش‌های قابل‌تأملی داشت. وی که مقدمات و دروس سطح را در حوزه علمیه اصفهان، نزد پدرش، آیت‌الله حاج سید مرتضی

موحّد ابطّحی از علمای اصفهان و استادانی همچون حضرات آیات حاج‌آقا رحیم ارباب و شیخ محمود مفید گذرانده بود، سطوح بعدی را در قم، در محضر حضرت امام خمینی(ره) و آیاتی همچون سید حسین بروجرودی و سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای سپری کرد. آیت‌الله ابطّحی در طول حیات علمی و معنوی خود به پرورش شاگردان بسیاری همت کرد و افزون بر آن، با بنیان نهادن مدرسه و مرکز پژوهشی «الامام المهدی» در قم، به گردآوری اخبار و احادیث اهل بیت(ع) همت گماشت که رهاورد آن، انتشار ده‌ها کتاب ارزنده مانند الصحیفه السجادیة الجامعه و صحیفه الامام الرضا(ع) است.

ایشان در طول حیات پربرکت خویش آثاری را نیز بر جای گذاشتند که کتاب المدخل الی تفسیر الموضوعی للقرآن کریم، الصحیفه السجادیة الجامعه، جامع الاخبار و الآثار عن النبی و الائمه الاطهار، الصحیفه العلویه الجامعه از جمله آثار ایشان به زبان عربی است، این در حالی است که به زبان فارسی نیز تألیفاتی دارند. از این رو، قرار است جهت پاسداشت مقام علمی و معنوی آیت‌الله سید محمد باقر موحّد ابطّحی، دهم بهمن امسال که مصادف با شب رحلت حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله علیها است، بعد از نماز مغرب و عشا در مسجد اعظم قم، نخستین مراسم سالگرد رحلت این حکیم فرزانه برگزار شود. با توجه به سالگرد ایشان روزنامه ایران با حجت‌الاسلام و المسلمین سید مصطفی میرلوحی، خواهرزاده این

مفسر بزرگ که از استادان حوزه و دانشگاه است، به گفت‌وگو نشسته که گزارشی از این نشست در ادامه تقدیم می‌شود.

ذکر خاطره از رهبر معظم انقلاب درباره آیت‌الله ابطّحی

خواهرزاده آیت‌الله موحّد ابطّحی در بیان خاطراتی از قول بزرگان دینی و علمی گفت: در دیداری که اخیراً خدمت رهبر معظم انقلاب رفتیم برای عرض تشکر بابت پیامی که برای رحلت آیت‌الله موحّد ابطّحی صادر کرده بودند، به این مضمون ایشان فرمودند: «وقتی سال ۱۳۳۸ به قم آمدم، حدود دو سال درس آیت‌الله بروجرودی را درک کردم، آقای ابطّحی از فضایی درجه یک درس ایشان بود که به اصطلاح طلبه‌ها مستشکل بودند». البته مستشکل یعنی کسی که بیشترین اشکال را به استاد می‌گرفت.

ممکن است ۷۰۰ الی ۸۰۰ نفر پای درس یک مرجع بنشینند، ولی هرکس اجازه اشکال و مواجهه با استاد را ندارد و فقط بعضی‌ها که توان علمی قوی برای بحث با استاد داشته باشند این اجازه را دارند. ایشان(رهبر معظم انقلاب) فرمودند: «آقای ابطّحی بلند می‌شد و یک قدم هم جلو می‌رفت و با فریاد بلند و با لهجه اصفهانی اشکال می‌کرد».

حجت‌الاسلام والمسلمین میرلوحی با اشاره به استادان آیت‌الله موحّد ابطّحی گفت: بعد از سال‌های طولانی نشستن پای درس آیات عظام بروجرودی، امام خمینی(ره)، گلپایگانی، خوانساری، اراکی، محقق داماد، علامه طباطبایی و دیگر بزرگان، آیت‌الله موحّد ابطّحی تدریس درس خارج فقه و اصول را شروع کردند. این را می‌دانید که وقتی هر طلبه عالی‌ترین درجات اجتهاد را در حوزه می‌گذراند، خودش استاد درس خارج فقه و اصول می‌شود.

ایشان فرمودند: «من ۹ سال قبل از انقلاب، درس خارج فقه و اصول گفتم اما بعد احساس کردم وظیفه دیگری دارم». در واقع سر درس آقای بروجرودی این احساس نیاز به کار تحقیقی در رجال شیعه و احادیث شیعه بسیار محسوس بود و خود مرحوم آقای بروجرودی چند بار فرمودند که بعضی از فضلا، احادیث شیعه را احیا کنند و بر همین اساس طرحی دادند که آیت‌الله موحّد ابطّحی هم جزو آن لجنه و کمیته‌ای بودند که شامل تعدادی از بهترین شاگردان آیت‌الله بروجرودی می‌شدند که در نهایت آن طرح منجر شد به تألیف کتاب جامع احادیث الشیعه که به امر و اشراف آیت‌الله بروجرودی بود، لذا این‌طور که از خودشان و بزرگان دیگر شنیدم، این یک مطلب در ذهن ایشان جرقه زد که باید دست همتی از آستین در بیاید تا احادیث و اخبار الائمه را احیا کند چرا که یکی از آموزه‌هایی که از استادشان آیت‌الله بروجرودی داشتند، مسأله احیای آثار گذشتگان بود.

استاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام با بیان اینکه در گذشته ده‌ها نفر از فقها، کتاب‌هایی نوشتند و اکنون یک فقیه هم می‌تواند یک کتاب را از نو تعریف کند، تصریح کرد: این‌طور که مرحوم آقای ابطّحی و بزرگان دیگر



می‌فرمودند، آقای بروجرودی نظرشان این بود که فضلا مدام کتاب جدیدی را تألیف نکرده و دائم چاپی را خطی و خطی را چاپی نکنند بلکه بیابند کتاب‌هایی مرتبط با نیازهای روز مثلاً از فلان عالم را که باید و شاید تنقیح، تحقیق و با نیاز روز عرضه نشده دوباره احیا کنند.

از همین رو آیت‌الله ابطّحی در یکی از آثار خود که حدود ۱۳۰ جلد می‌شود، «عوالم العلوم» را احیا کردند که اصل آن حدود ۲۰ تا ۴۰ جلد است.

در واقع رسم علمای قدیم این بود که مجموعه اخبار جمع‌آوری شده از احادیث، محدثین و علمایی را که در شهرهای مختلف بودند در قالب مجموعه حدیثی چاپ می‌کردند. مثل علامه مجلسی که بحارالانوار را در ۲۵ جلد قدیمی نوشت.

مدیرکل روابط عمومی و امور بین‌الملل دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در تشریح اقدام مرحوم آیت‌الله موحّد ابطّحی در انتشار کتاب مستدرکات «عوالم العلوم» بیان کرد: کاری که این بزرگوار کرد این بود که کتاب «عوالم العلوم» نوشته آقا شیخ عبدالله بحرانی اصفهانی را به عنوان متن اصلی در نظر گرفت و بعد احادیث را از کتاب‌های دیگر و جهان اسلام جمع کرد و مثلاً احادیثی را که برای فاطمه الزهرا و امیرالمؤمنین در کتاب نیامده بود اضافه کرد که به این کار «مستدرکات» گویند.

به عبارتی دیگر، احادیثی را که صاحب کتاب و صاحب متن اول مثلاً در مورد فاطمه الزهرا شاید ۲۰۰ صفحه حدیث جمع کرده‌بودند ایشان به ۸۰۰ صفحه رساندند یعنی بعضی از مباحث کتاب اصلی در تألیف مستدرکات آن به سه تا ۵ برابر رسانده‌اند که اکنون از این ۱۳۰ جلد که ایشان حاضر کردند حدود ۳۰ تا ۴۰ کتاب چاپ شده است. این هم فداکاری است که ایشان کرده‌اند چراکه با وجود اضافه کردن چند برابر به متن اصلی ولی اسم مؤلف آن شیخ عبدالله بحرانی خورده

است و این نشان از اخلاص آن بزرگوار است. **تأسیس نخستین مرکز تحقیقاتی پیشرفته**

حجت‌الاسلام میرلوحی همچنین در توضیح بخش دیگری از شخصیت آیت‌الله موحّد ابطّحی گفت: باید اذعان کنم به این نکته که نخستین عالم و فقیه‌ای که در قم مرکز تحقیقاتی با رایانه‌ای تأسیس کرد، آیت‌الله موحّد ابطّحی بودند.

همین‌طور نخستین مؤسسه تحقیقاتی جمعی که قبل از انقلاب در قم تأسیس شد، کار ایشان بود که مؤسسه الامام المهدی(عج) نام داشت.

البته بعد از انقلاب بحمدالله ده‌ها مؤسسه تحقیقاتی تأسیس شده‌است و اکنون بیش از ۱۰۰ مؤسسه تحقیقاتی پیشرفته و هزاران محقق داریم که البته نخستین مرکز تحقیقاتی جمعی را ایشان قبل از انقلاب در خانه خودشان تأسیس کردند.

چراکه احساس می‌کردند که احادیث و روایات آل محمد(ص) آن‌طور که باید جمع‌آوری نشده‌است و بنابراین باید همه مجموعه، دسته‌بندی، تنقیح و تحقیق شود.

نوشتن نخستین تفسیر موضوعی قرآن کریم

وی افزود: ضمناً می‌توان اشاره‌ای داشت به نخستین تفسیر موضوعی قرآن در عالم تشیع که ایشان نوشته‌اند که البته مربوط به ۵۰ سال پیش می‌شود. البته این ادعای بزرگی است در مورد تألیف نخستین تفسیر موضوعی قرآن در عالم تشیع. بنابراین اگر کسی کتابی قبل از آقای ابطّحی در ۵۰ سال پیش وقتی که ایشان در مطبعه حیدریه نجف تفسیر موضوعی قرآن را چاپ کردند، نوشته اعلام کند.

خواهرزاده آیت‌الله سیدمحمد باقر موحّد ابطّحی با اشاره به صحیفه‌ها به عنوان بخشی دیگر از آثار به جای مانده از این فقیه عالم تشریح کرد: در گذشته ما نام صحیفه سجادیه را شنیده بودیم که یکی از کتاب‌های دعای شیعه است که ۵۴ دعا دارد که البته در نسخه اصلی که حضرت به امام باقر(ع) و زید شهید و بعد آرام آرام به دست ما رسیده‌است، ۵۷ دعا بوده که سه دعا از آنها گم‌شده و الان ۵۴ دعا از آن باقی مانده‌است که به آن صحیفه کامله سجادیه گویند که خیلی از مردم در خانه‌های خود آن را دارند. اما همه دعا‌های امام سجاد(ع) این تعداد نیست.

بر همین اساس آیت‌الله موحّد ابطّحی شروع به تحقیق در تمام نسخه‌های دیگر صحیفه‌ها و جوامع روایی شیعه می‌کند و با گردآوری آنها، دعا‌های امام سجاد(ع) را به ۲۷۲ دعا می‌رساند که در یک جلد آمده‌است. در واقع صحیفه سجادیه معروف شامل ۵۴ دعا است، ولی صحیفه سجادی‌های که آیت‌الله ابطّحی تألیف کردند ۲۷۲ دعا دارد.

استاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام با اشاره به جمع‌آوری این صحیفه‌ها در حدود ۲۰ سال پیش، گفت: نکته قابل توجه دیگر این است که آن بزرگوار اصرار و دقت زیادی داشتند که این کتاب‌ها حتی یک غلط هم در آن یافت نشود چراکه خود مرحوم ابطّحی شخصاً آنها را بارها به دقت کنترل می‌کردند.

خدمات عمرانی آیت‌الله ابطّحی

حجت‌الاسلام والمسلمین میرلوحی در ادامه اشاره‌ای کرد به خدمات عمرانی آیت‌الله موحّد ابطّحی در شهر «اقلید» از توابع استان فارس و در همین رابطه توضیح داد: آیت‌الله موحّد ابطّحی از شاگردان درجه یک آیت‌الله العظمی بروجرودی بود. بر همین اساس آیت‌الله بروجرودی به ایشان می‌فرمایند که بهاییت برای منطقه آباده و اقلید دهن‌باز کرده و آنجا در حال تبلیغات هستند و می‌خواهند مردم را از دین اسلام و تشیع بیرون و به سمت بهاییت ببرند.

ادامه از صفحه اول

من از آغاز ورود به مدرسه، متناسب با سن، با اغلب طلاب آشنایی و دوستی نزدیک پیدا کردم و با فضیلتی که از لحاظ سنی بزرگتر بودند، در حد سلام و علیک و احوالپرسی مرتبط بودم. در بین این افراد، به چند نفر از لحاظ روش زندگی زاهدانه و اخلاق ویژه، علقه قلبی خاصی پیدا کردم که از جمله آنها آقا سیدکمال شیرازی و آیت‌الله شیخ یحیی انصاری شیرازی و آیت‌الله شیخ علی تهرانی سعادت‌پرور بودند که زندگی زاهدانه و درویشانه با اخلاقی نکو داشتند و من بدون مبالغه، در مدت اقامت و حضور آنان در مدرسه حجتیه، شاید هیچ وقت در سلام کردن به آنها نتوانستم پیشگام شوم و همیشه آنها در ادای سلام پیشقدم بودند.

قاعدتا این آقایان را هر روز در مدرسه می‌دیدید؟

بلٰی، مدرسه حجتیه و نماز جماعت صبح و ظهر و شبش که توسط مرحوم آیت‌الله شریعتمداری و گاهی آیت‌الله جلیلی کرمانشاهی اقامه می شد، مجمع همه طلاب و فضلا بود و همگی یا اغلب طلاب در این نماز جماعت ها حضور می‌یافتند. به علاوه در جلسه درس تفسیری علامه طباطبائی که در مدرسه حجتیه منعقد می‌شد، شرکت می کردند و روزهای جمعه در دعای ندبه در محل کتابخانه مدرسه که توسط مرحوم حاج‌شیخ عباس تهرانی برگزار می‌شد، حضور داشتند. جلسه دعای کمیل در شب جمعه و دعای سمات (عصر جمعه) هم به همت مرحوم شیخ قاسم تهرانی و آقایان سیدمحسن خرازی و شیخ رضا استادی و این جانب برگزار می‌شد و آیت‌الله انصاری شیرازی هم از افراد خاصی بود که در اغلب آن جلسات، در گوشه‌ای و بدون هیچ گونه تظاهری، شرکت می کرد.

گاهی در درس تفسیری علامه بزرگوار طباطبائی و بعدها درس اصول امام خمینی در مسجد سلماسی، در کنار ایشان قرار می‌گرفتم که با همان اخلاق نرم و لَبِن و لبخند ملیح، همیشه مرا به درس و بحث تشویق می کرد، و این البته به دلیل بزرگتر بودن ایشان از لحاظ سنی بود. می‌دانیم که در درس حوزوی آزاد، افراد جدیدالورود با افراد قدیم الحضور، در یک جلسه و یک مسجد و در کنار هم می‌نشستند و به حرفهای استاد گوش می‌دادند و این البته به مفهوم تقارن مراتب علمی نبود، بلکه معنی آزادی درس و بحث در حوزه را داشت.

روابط با آیت‌الله انصاری شیرازی چگونه ادامه یافت؟

ایشان پس از شاید یکی دو سال از مدرسه حجتیه رفتند؛ ولی در جلسات درسی ملاقاتشان می‌کردم تا اینکه دوران مبارزه آغاز شد و برخلاف تصور بعضی‌ها، آیت‌الله انصاری در همه مراحل، در متن معرکه بودند و با اینکه عده‌ای فکر می‌کردند که فرد زاهد و عارف و سالکی مثل ایشان، نباید در مسائل سیاسی و اجتماعی داخل شوند؛ ولی ایشان به هر نحوی که مقدور بود، با اهداف نهضت همکاری می‌کردند و علاوه بر سخنرانی در شهرها و امضای اعلامیه‌های فضلا و مدرسین و طلاب در افشاکری رژیم و مطرح ساختن مسائل سیاسی، در عشق به امام خمینی و علامه طباطبائی، حد و مرزی نمی‌شناخت. ایشان در شعری پس از تبعید امام می‌گوید:

ای نفس صبا ز من، رو، سوی مرجع زَمَن

گو به خمینی این سخن: روح و روان من توئی و در مورد مرجعیت امام هم شاید از نخستین کسانی بود که به‌رغم جو حاکم بر حوزه‌ها و اخلال متحجران، آیت‌الله انصاری در پاسخ عده‌ای از طلاب حوزه علمیه قم که پس از رحلت آیت‌الله حکیم از اساتید بزرگوار نظرخواهی نموده بودند(و البته همه آنها هم پاسخ مثبت دادند)، در ذیل ورقه نظرخواهی چنین نوشته بود: «بسمه‌تعالی صلاحیت حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی مدظله برای مرجعیت عامه قابل هیچ گونه تردیدی نیست. این فقیه عالیقدر جامع حد اعلاّی شرایط مرجعیت تامه و عامه بوده و تقلید و ترویج از

معظم‌له، موجب اعلاّی کلمه حق و اعزاز مسلمین است. یحیی انصاری شیرازی». (رجوع شود به کتاب اسناد نهضت اسلامی ایران، ج ۳، چاپ دوم، ص۱۴۹، بقیه اعلامیه‌های امضا شده ایشان نیز در همین کتاب که به کوشش این جانب منتشر شده، آمده است).

ایشان چه نقشی در مبارزات سیاسی پس از آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) داشتند؟

آیت‌الله شیرازی که در آن برهه، از فضلا و مدرسان معروف حوزه بود، همراه دیگر اساتید با ایراد سخنرانی در قم و شهرهایی که می‌رفت، در بیدارسازی مردم و تبیین افکار و اهداف نهضت با تمام توان، کوشا بود و اغلب اعلامیه‌های صادره از سوی فضلا و حوزه علمیه قم را هم امضا و تأیید می‌نمود.

در طی این حوادث و دوران مبارزه، دستگیر هم شدند؟

ایشان چندین بار دستگیر و زندانی شدند و یک بار هم از طرف «کمیسیون امنیت اجتماعی شهر قم» به سه سال تبعید محکوم گردیدند که نخست به «کوهدشت» لرستان اعزام و پس از مدتی به نائین منتقل شدند.دستگیری مدرسان و فضلا در جریان حوادث ۲۵ شوال، پس از تظاهرات گسترده طلاب، به مناسبت شهادت امام صادق(ع) و سال روز هجوم دژخیمان رژیم به مدرسه فیضیه بود.

بی‌مناسبت نیست که نخست خبر آن را از «انتقام» نشریه مخفی حوزه علمیه قم که آیت‌الله مصباح منتشر می کردند، نقل کنم: «شب ۲۵ شوال به مناسبت سالگرد حادثه خونین فیضیه مجلس باشکوهی در مسجد بالاسر حضرت معصومه(س) منعقد گردید و پس از ختم مجلس، جمعیت انبوهی از روحانیون و سایر طبقات، شعارهای زنده، وارد صحن و سپس وارد میدان آستانه شدند؛ ولی در محوطه میدان، مأمورین انتظامی شدیداً به ایشان حمله کرده و با استعمال گاز اشک‌آور مردم را متفرق ساختند. در این تظاهرات عده‌ای از طلاب مجروح و مصدوم گردیدند. صبح روز ۲۵ شوال مجدداً مجلس عظیمی در همان محل تشکیل و خطابه گرمی ایراد گردید، سپس سیل جمعیت به صحن بزرگ سرازیر شد و تظاهرات پرشوری انجام گرفت. این مراسم تا نزدیک ظهر ادامه داشت. عصر همان روز مجلس دیگری در مدرسه فیضیه منعقد شد و یکی از آقایان طلاب خطابه‌ای ایراد و از مظالم دستگاه شدیداً انتقاد کرد و مجلس با شعارهای کوبیده علیه دستگاه حاکمه و به پشتیبانی از روحانیت مخصوصاً زعیم عالیقدر حضرت آیت‌الله خمینی خاتمه یافت.

از روز بیست و هفتم تا بیست و نهم شوال عده‌ای از اساتید و فضلاء حوزه علمیه قم، از جمله آقایان ربانی شیرازی، حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی، شیخ صادق خلخالی، حاج شیخ علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، سید هادی خسروشاهی، حسین نبی‌پور، کاظم‌پور گیلانی و جهانتاب بازداشت و روانه زندان قزل قلعه شده‌اند و آقای نامبرده از ده‌الی بیست روز بدون جرم زندانی بودند و آقای هاشمی هنوز در زندان انفرادی به سر می‌برد.» (نشریه «انتقام»، مورخ ۱۰ فروردین ۱۳۴۴، ش ۴)

ساواک قم هم در گزارش خود به مرکز، درباره این حادثه و تحریک کنندگانش چنین می‌نویسد: «در مورخه ۴۳٫۱۲٫۸ به مناسبت وفات امام جعفر صادق غروب روز مزبور طلاب در مدرسه فیضه اجتماع کردند و واعظی به نام سید عبدالرسوال موسوی تهرانی به منبر رفته و مطالبی درباره زد و خورد در مدرسه فیضیه اظهار داشت، لکن از نصب بلندگو و ورود اشخاص متفرقه به مدرسه مزبور جلوگیری به عمل آمد. سپس عده‌ای از طلاب به مسجد بالاسر رفتند و پس از دعای توسل قصد داشتند برای خمینی شعار بدهند؛ ولی به علت آمادگی مأمورین موفق نشدند و از همانجا متفرق گردیدند. چون مأمورین قصد دستگیری موسوی تهرانی را داشتند، وی از مدرسه فیضیه خارج نشد و تاکنون دیده نشده است.

مراتب فوق بلافاصله تلفناً به اطلاع آن اداره کل و دفتر اطلاعات ویژه رسید. محرکین این جریان که ضمناً گرداننده تظاهرات متعدد دیگری نیز بوده‌اند و

در گفتگویی با استاد خسروشاهی مطرح شد:

حوادث انقلاب اسلامی و: شیخ اشراق قم

علناً مطالبی در مجالس اظهار نمی‌دارند به شرح زیر می‌باشند: شیخ حسینعلی منتظری اصفهانی، شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، شیخ صادق خلخالی، شیخ محمدعلی گرامی قمی، شیخ حبیب‌الله جعفری، شیخ مهدی کروبی، شیخ احمد آذری، علی حجتی کرمانی، سید هادی خسروشاهی، شیخ یحیی انصاری شیرازی، شیخ علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی.

طبق اطلاع از محرکین تاکنون شیخ یحیی انصاری شیرازی، شیخ صادق خلخالی، شیخ علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی دستگیر شده‌اند. نامبردگان تا این ساعت در ساواک قم می‌باشند. ریاست ساواک مرکز – مولوی»

بنده دو سه روز بعد از بازداشت آقایان، زمانی که برای حضور در درس عازم مسجد امام بودم، در خیابان ارم در قم دستگیر شدم و پس از طی مراحل اداری و قانونی(!) از شهربانی قم به ساواک قم تحویل داده شدم و آنها هم شبانه بنده را همراه جناب آقای نبی‌پور – از طلاب حوزه – به ساواک تهران اعزام نمودند و پس از یک شب که در زندان ساواک ماندیم، ما را به زندان قزل قلعه تحویل دادند که در سند ساواک مرکز، چنین گزارش شده است: «از تیمسار ریاست ساواک... ۴۳٫۱۲٫۲۲ خیلی محرمانه، خیلی فوری

سیدهدادی خسروشاهی... که یکی از محرکین تظاهرات روز ۱۲٫۸٫۴۳ (که مصادف با وفات امام جعفر صادق زد و خورد در مدرسه فیضیه) می‌باشد، وسیله ساواک قم دستگیر که در مورخه ۴۳٫۱۲٫۲۱ به زندان قزل قلعه تحویل گردید. اینک ۱۴ برگ پرورنده مشارالیه به انضمام یک برگ فتوکپی رسید زندان جهت هرگونه اقدام مقتضی به پیوست ایفاد می‌گردد. ضمناً ساواک قم گزارش نموده به طوری که از اطلاعاتیه‌های موجود در پرورنده وی استنباط می‌گردد، در تحریکات روحانیون از ابتدا فعالیت داشته و به طوری که گفته می‌شود، از نویسندگان نشریه بعثت و انتقام است. رئیس ساواک استان مرکز، مولوی»

پس در قزل قلعه همراه ایشان شدید؟

بلٰی، در قزل قلعه به ایشان ملحق شدیم و البته همه دوستان و فضلاء دستگیرشده پس از حوادث ۲۵ شوال، در بند ۲ این زندان اسکان یافته بودند که آیت‌الله انصاری شیرازی هم در آن بند بودند. چند روز بعد، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ رضا گلصرخی وابسته به فدائیان اسلام را به بند انفرادی منتقل کردند و طبق اخبار واصله، شکنجه‌های سختی را هم تحمل نمودند تا آنجا که پاهای آیت‌الله هاشمی را با اتو سوزانندند و به علت عوارض ناشی از آن، ایشان را به بهداری ارتش یا شهربانی منتقل کردند.

آیت‌الله انصاری در زندان چه رفتاری داشتند؟

رفتار ایشان در زندان تغییر نکرده بود. با همان اخلاق نیکو و نرم با همه برخورد داشت. البته ایشان مانند آقای شیخ صادق خلخالی کتاب «جواهر» و «منظومه» را همراه خود داشتند که مطالعه می‌کردند و با همدیگر به بحث می‌پرداختند و آیت‌الله ربانی شیرازی هم گاهی در مباحثات آن دو دخالت می‌کرد. حیات یا محوطه زندان قزل قلعه شامل چند درخت و حوض آب بود و زندانیان بندهای عمومی هر وقت که مایل بودند، می توانستند در آن به پیادهروی بپردازند؛ ولی زندانیان بندهای انفرادی که اغلب اعضای مؤتلفه بودند و آقایان خاوری و حکمت‌جو – از توده‌ای‌های معروف – حق استفاده از حیات را نداشتند.

شادروان داریوش فروهر که هر وقت ما به زندان رفتیم، او را در آنجا دیدیم و هر وقت هم بیرون آمدیم، او در زندان ماند؛ در بند یک بود؛ ولی می‌آمد در حیات با بقیه به گفتگو می‌پرداخت و آقای خلخالی با توجه به سبیل خاص وی، به شوخی می‌گفت: «خیال می‌کنی که اگر هر روز صبح سبیلهای خود را تاب بدهی و درازتر کنی، شاه‌عباس می‌شوی یا ناصرالدین شاه؟» و مرحوم فروهر فقط می‌خندید ولی یک بار گفت: «حالا ما از دار دنیا به یک سبیل داش مشدی اکتفا کرده‌ایم، آن را هم می‌خواهید از دست بدهیم؟!» و یک بار هم در

جواب وی که به طور طبیعی آدم چاقی بود، گفت: آقای خلخالّی ورزش چیز بدی هم نیست !اتفاقاً طنابی هم در وسط حیات به دو چوب بسته بودند که بنده با آقای فروهر، گاهی والیبال بازی می‌کردیم و البته همیشه هم او برنده بود؛ چون با آن قد بلند، آبشار می‌زد و پرشهای ما بی‌خود بود!

یک روز موقع بازی ما آیت‌الله شیرازی در گوشه حیات نشسته بود و مطالعه می‌کرد که توپ، مستقیم به کتابی که در دستشان بود، خورد و ایشان با لبخند ملیح همیشگی گفتند: «و ما الحياه الدنيا الا لهو و لعب» و بنده بلافاصله گفتیم: «و زینه و تفاخر!» و سپس عذرخواهی کردم که توپ بدون عمد، باعث مزاحمت گردید!

آقای فروهر چرا به زندان افتاده بود؟

شادروان فروهر به دنبال اهداف ملی خود بود و برخلاف اغلب رهبران مصلحت‌اندیش جبهه ملی، با سخنرانی و اعلامیه اعتراض سازمان پان ایرانیستی خود را اعلام می‌کرد و بازداشت می‌شد و سالهای متمادی در زندان شاه به سر برد؛ ولی دست از هدفش برنداشت. در زندان هم بیشتر مشغول مطالعه بود. برای او روزنامه هم می‌آوردند که مقالات مفید را قیچی می‌کرد و در واقع آرشیوی برای حزب یا سازمان خود درست کرده بود. در کل مرد سلیمی بود و اخلاق تندّی نداشت و بعدها که یکی دو بار در مراسمی در حسینیه ارشاد او را دیدم، خیلی آرام تر بود. البته پس از پیروزی انقلاب هم به نقل آقای محمد هاشمی، امام توصیه کردند به پاس مبارزانش، در کابینه دولت آقای بازرگان سمتی به او داده شود، که وزیر کار شد.

در بند ۲ «قزل قلعه» از روحانیون فقط کسانی بودند که از حوزه علمیه قم و مرتبط با حوادث ۲۵ شوال دستگیر شده بودند. البته چند بازاری، معلم و توده‌ای هم در بند بودند که یکی از آنها مرحوم حاج مرتضی تجریشی، از فعالان و مبارزان معروف بازار بود. آن برهه از زندانی شدن ماه‌ا، خیلی هم طول نکشید و گویا به مناسبت عید نوروز همه را آزاد کردند.

چگونه همه را آزاد کردند؟

چون اصل بازداشت بدون دلیل و مدرک بود و ساواک قم برای توجیه بی‌عرضگی و عدم توانائی خود، افراد را دستگیر و به تهران فرستاده بود، در مرکز گویا تصمیم می‌گیرند که به غائله پایان دهند و به جای بازجویی و محاکمه، همه را با اخذ تعهد به «عدم اقدام علیه امنیت کشور» آزاد کنند... وقتی ورقه‌ها را به ما دادند، خلخالی در کنار من بود، گفتیم: «چرا امضا کنیم؟» گفت: «برای اینکه آزاد شویم و برویم بیرون! اینجا بمانیم که چه کار کنیم؟ می‌رویم بیرون و به کارهای خود ادامه می‌دهیم!» همگی این کار را انجام دادیم و بیرون آمدیم؛ ولی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و مرحوم گلصرخی، همراه این گروه آزاد نشدند و هر کدام پرورنده خاصی، علاوه بر مسئله تظاهرات قم داشتند که گویا به اعدام انقلابی منصور، نخست‌وزیر شاه مربوط بود.

آیا پس از بازگشت به حوزه علمیه، با آیت‌الله انصاری شیرازی ارتباط داشتید؟

بالاخره ما طلبه حوزه بودیم و خدمت اساتید می‌رسیدیم؛ ولی چون از لحاظ درسی و سنی در سطح آنها نبودیم، روابطمان درحد دیدارهای دوستانه و حضور در محافل دعا و نیایش و مجالس درس بزرگان بود و البته همزمان به مبارزه هم از طریق تهیه و امضا، تکثیر و توزیع اعلامیه‌ها، ادامه می‌دادیم که خود یکی از راههای اصلی استمرار مبارزه بود. اعلامیه‌ها در پشتیبانی از امام خمینی و نهضت اسلامی صادر می‌شد که بنده در بعضی موارد از «جمع کنندگان» امضا از اساتید بودم. برای نمونه یک نامه سرگشاده را که خطاب به امام خمینی بود و همه فضلا از جمله آیت‌الله انصاری آن را امضا کردند، در این اینجا نقل می‌کنیم، که مربوط به تاریخ مهرماه ۱۳۴۴ است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم. محضر مقدس بزرگ مرجع عالم تشیع حضرت آیت‌الله العظمی آقای خمینی متع‌الله المسلمین بطول بقاءته.

ادامه در صفحه بعد

ادامه از صفحه اول

بعد از پنج سال حضور در درس عمومی فلسفه که بر اساس شرح منظومهٔ حکمت مرحوم حاج ملاهادی سبزواری بود، اجازه فرمودند تا در درس خصوصی عرفان که برای جمعی محدود در منزل تدریس می‌شد، خدمت ایشان برسم. وقتی در این جمع، در اتاقی کوچک حضور یافتم، اولاً دیدم که پایین‌ترین قسمت اتاق، محل جلوس ایشان بوده و دیگران باید در قسمت‌های بهتر بنشینند. از این گذشته، او خود را مقید کرده بود که هر روز کفش تلامیز را جفت کند. حتی اگر ما می‌خواستیم خود، این کار را کنیم، باز هم آن را تکرار می‌کرد. معلوم بود که همهٔ این رفتارها، هدفمند بوده و این استاد بزرگ می‌خواهد بطور عملی شاگردان را با مفاهیم اخلاقی مبارزه با غرور و عُجب، آشنا سازد.

از ویژگی‌های درس استاد انصاری شیرازی آن بود که در آغاز هر جلسه، نخست روایتی اخلاقی از یکی از کتاب‌های روایی انتخاب می‌کرد، آن را با دقت، همراه با سلسلهٔ سند قرائت نموده، دقایقی پیرامون مفاد آن توضیح می‌داد و سپس بحث فلسفی خود را آغاز می‌نمود. در حین تدریس که مبتنی بر توضیح متن کتاب بود، از تشریح هیچ نقطه‌ای فروگذار نمی‌کرد. تلاش می‌کرد تا آخرین دقیقه به تدریس ادامه داده و لحظه‌ای کم نگذارد. در شروع درس نیز مقید بود رأس ساعت، آغاز نموده و عملاً نظم را به طلاب آموزش دهد. در حین تدریس با سماحت به شنیدن اشکالات و پرسش‌های طلاب می‌پرداخت و آنگاه با صدایی رسا می‌کوشید تا اشکال را برطرف کند. هیچگاه بدون مطالعه در جلسهٔ تدریس حاضر نمی‌شد. شروح و حواشی متعددی را که بر متن درسی نگاشته شده بود، می‌دید و ملاحظات خود را نیز نسبت به آن‌ها در حین درس مطرح می‌ساخت.

درس حکمتی که او می‌آموخت، تنها قواعد و براهین خشک فلسفی نبود. ذوقیات نیز چاشنی همیشگی درس بود. او که خود ادیبی ارجمند و شاعری گرانمایه بود،

ادامه از صفحه قبل

هرچند انتقال حضرت عالی از ترکیه به عتبات از جهتی مایه خرسندی است، ولی ادامه تبعید آن مرجع عالیقدر که به خاطر دفاع از قرآن و حقوق ملت اسلام و حمایت از استقلال و تمامیت ارضی کشور اسلامی ایران صورت گرفته است، بسی موجب تأثر و تنفر عموم ملت ایران است. ملت شریف مسلمان ایران وحوزه علمیه قم که‌از منویات مقدس آن قائد عظیم‌الشان پیروی می‌کنند و برای تأمین و اجرای آن از هیچ‌گونه فداکاری دریغ ندارند، انتظار دارند که به زودی موانع برطرف شود تا با مراجعت حضرت عالی به حوزه علمیه قم و با تدابیر خردمندانه و رهبری‌های ارزنده آن زعیم عالیقدر، مصالح عالیه اسلام و ایران و حقوق از دست‌رفته ملت تأمین گردد. ادام الله ظلمک علی رؤس الانام.

حسین نوری، احمد آذری قمی، ربانی شیرازی، علی‌اصغر مروراید، محمد علم‌الهدی خراسانی، حسینعلی منتظری، ابوالفضل النجفی الخونساری، سید محمدرضا سعیدی، علی المشکینی الاردبیلی، ناصر مکارم شیرازی، محمدتقی مصباح یزدی، ابوالقاسم خزعلی، علی‌اکبر مسعودی، سید موسی شبیری زنجانی، محمد مفتاح، مهدی الحائری الطهرانی، غلامرضا صلاتوی عراقی، جوادی آملی، سید مصطفی علم‌الهدی – سید محمدباقر ابطحی، محمد ایمانی گیلانی، رضا گلسترخی کاشانی، سید عبدالمجید ایروانی، محمد محمدی گیلانی، ابراهیم امینی، احمد جنتی، نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، جعفر سبحانی، یحیی انصاری شیرازی، محمد مجتهدی شبستری، سید هادی خسروشاهی، سید یوسف مدنی تبریزی، محمد رضا توسلی، عباس محفوظی، حسن حسن‌زاده، محمد جواد حجتی کرمانی، حسین شب‌زنده‌دار، محسن دوزدوزانی، سید حسن طاهری، محمد مؤمن، مهدی الحسین الروهانی، محمدعلی گرامی، محمدعلی فیض گیلانی، مصطفی اعتمادی، اکبر هاشمی، علی قدوسی، مرتضی مقتدائی، سیدمحمد خرازی، زین‌العابدین قربانی و دهها امضای دیگر. (رک: اسناد نهضت اسلامی ایران، ج۳، ص۹۴)

گفته می‌شود که ایشان مانند علامه طباطبائی سخت‌با شخص دکتر شریعتی و مؤلف شهید جاوید مخالف بودند؟

حکیم خردمند روشن‌روان

برای هر میحثی ده‌ها بیت شعر در حافظه داشت. گاه به مناسبت شعری از حافظ یا فردوسی و سعدی و... قرائت می‌کرد و آن را با مبانی فلسفی که مورد بحث بود، پیوند می‌زد. گاه نیز ظرائف و لطایفی از سخنان حکما و عرفا بیان می‌فرمود تا جلسهٔ درس از نشاط نیفتد.

او محضر استادان زیادی را درک کرده و از خرمن دانش‌های گوناگون آنان آموخته و اندوخته بود. اما در این میان، تأثیر علامهٔ فرزانه مرحوم آیت الله سید محمد حسین طباطبایی در شکل‌گیری شخصیت او بیش از دیگران بود. تا جایی که با یاد آن بزرگوار، بیدرتگ حالش منقلب و آهی از سر فراق بر می‌آورد. خاطرات بسیار زیادی از آن حکیم عظیم‌الظنیر داشت و گهگاه برای خواص تلامیز خود نقل می‌فرمود. بویژه از جفاهایی که در حوزهٔ قم بر او رفته بود، و برخی از رفتارهای جاهلانه خاطرات تلخی داشت.

او که روحی آزاد و ظلم‌ستیز داشت، در جریان مبارزات قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به همراه جمعی از روحانیون و مدرسان با امضای اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های متعدد از رهبری مرحوم امام خمینی(ره) حمایت کرده و به همین جهت با دستگیری مواجه شده و سالیانی از عمر خود را در شهر یم در تبعید بسر برده بود. در برخی از اشعار خود، به ماجراهایی که در آن دوران بر او رفته اشاراتی دارد.با این همه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی جز تدریس در حوزهٔ علمیه و استمرار سنت فیلسوفان، هیچ علاقه‌ای نداشت. او از اینکه فضای فلسفی در حوزه، نسبت به دهه‌های قبل، بازتر شده، خرسند بود و رسالتی جز تبیین اندیشه‌های حکمی برای خود قائل نبود.

مرحوم آیت الله انصاری شیرازی از مدرسان برجستهٔ فلسفهٔ اسلامی بود که سنت تدریس فلسفی را بر اساس وفاداری به متن مکتوب و با لحاظ شروح و حواشی توضیحی یا انتقادی ادامه می‌دادند. به تعبیر دیگر، آنان

علامه طباطبائی که من روابط وثیقی با ایشان داشتم، بعضی از مطالب آثار دکتر شریعتی را قبول نداشتند و در پاسخ به مرحوم سید منیرالدین شیرازی که از شاگردانشانه بود، به طور کتبی هم نوشته‌اند که اشکال من به بعضی از مطالب ایشان است و کاری به شخص ندارم. بقیه بزرگانی هم که به دکتر شریعتی و مؤلف شهید جاوید اعتراض داشتند، در واقع اعتراض علمی و نقد تاریخی بود و قصد «تکفیر» در بین نبود و البته دامن‌زدن به این دو اختلاف و توسعه و ادامه دادن آن در محافل مذهبی یا حوزوی، توسط ساواک انجام می‌گرفت که اسناداش، پس از انقلاب به طور کامل منتشر گردید که نشان می‌دهد دستور ساواک بر تکثیر جزوه‌ها و اصرار بر ادامه امر چگونه بود.

به جنبه‌های مبارزاتی –سیاسی زندگی ایشان اشاراتی کردید و در پایان بی‌مناسبت نیست که به جنبه‌های علمی – فلسفی و حوزوی ایشان هم اشاره‌ای شود.

البته شرح حال آیت‌الله شیرازی را در این زمینه دوستان و شاگردانشان نوشته‌اند که پس از رحلت ایشان، در بعضی جرائد و مجلات منتشر گردید و من ترجیح می‌دهم در این بخش سطوری چند از مقدمه کتاب «حکمت‌ناب» نقل کنم. این کتاب را علاقه‌مندان و شاگردان ایشان جمع‌آوری و چاپ کرده‌اند که شامل بحثها و درسهای اخلاقی ایشان است و نخست در نشریه «افق حوزه» درج و سپس به شکل کتاب منتشر شده است:

آیت‌الله انصاری شیرازی از اصحاب بزرگ معرفت و دانش اسلامی، در سال ۱۳۰۶ش در روستای نوایگان (یا نوادیجان) داراب از توابع شیراز دیده به جهان گشود. پدر ایشان، مرحوم شیخ محمد فخر انصاری، فرزند شیخ زکریای نصیرالاسلام انصاری، از سران و مبارزان مشروطه بود که نسبش به جابرین عبدالله انصاری می‌رسد. ایشان پس از اتمام دروس مقدماتی در نوایگان، در سال ۱۳۲۵ برای ادامه تحصیل به شیراز رفت و از مدرسان و اساتید بزرگ آن دیار بهره‌های بسیاری برد. سپس به قم آمد و نزد حضرات آیات سید محمدباقر سلطانی، مجاهدی تبریزی، حاج شیخ فکور یزدی به کسب علم پرداخت و در درس خارج حضرت

فلسفه را در متن فلسفی جستجو نموده و از فرامتن، ابا داشتند. این سنت فلسفی که در حوزهٔ تمدن اسلامی تاریخی طولانی دارد، موجب شده تا متون فلسفی و حکمی از سوانح ایام محفوظ مانده و مورد توجه حوزه‌ها و طالبان حکمت قرار گیرند. هرچند محدود ماندن به این متون، به گونه‌ای ایستایی و مانایی نیز منجر شده و پرسش‌های نامحدود فلسفی را به پرسش‌های مکرر و تاریخی محدود ساخته است. با این همه، نمی‌توان از ارزش بی‌نظیر این متون و ضرورت استمرار سنت تدریس آن غفلت ورزید.

در میان حکمای مسلمان، به شیخ الاشراق، صدرالمآلهین شیرازی، حکیم سبزواری بسیار ارج می‌نهاد و از آنان با عظمت یاد می‌کرد. مشرب فلسفی او حکمت متعالیه بود. هرچند از حکمت مشاء و اِشراق نیز آگاهی داشت. در میان عرفا نیز بویژه به آثار محیی‌الدین ابن عربی و ابن ترکه اصفهانی علاقمند بود و آثار آنان و سایر عرفای بزرگ را با دقت مورد مطالعه قرار می‌داد. بااین همه، انصاف و تواضع او در امور علمی، شگفت‌انگیز بود. وقتی برای تدریس درس اسفار به ایشان اصرار می‌کردیم، با صراحت و بدون هیچ ملاحظه‌ای می‌گفت بروید خدمت آیت الله جوادی آملی. اگر ایشان بپذیرند، قطعاً بسیار بهتر از من تدریس می‌کنند. و تا وقتی که از تدریس ایشان ناامید نشد، حاضر به برقراری درس اسفار نبود.

زندگی شخصی آن مرحوم نیز آموزنده بود. او در زندگی زاهدانه زیست، بسیار قانع و به حداقل اکتفا کرده بود. هرگز شنیده نشد که گله‌ای از سختی معیشت داشته باشد. این در حالی بود که زندگی او نشانگر رفاه مادی نبود. اما روحیهٔ قناعت چنان در وجود وی نهادینه شده بود، که هرگز بخاطر معاش از آزادی دست برنداشت. امتحانات و بلایای سختی در زندگی خانوادگی پشت سر گذاشت و از روزگار جفاهای سختی دید. مرگ دختر

امام خمینی و آیات عظام بروجردی، شیخ مرتضی حائری و اراکی و... شرکت جست. وی دروس علوم عقلی (مانند اسفار اربعه، شفا و تمهیدالقواعد) را نزد علامه طباطبایی آموخت و به توصیه ایشان، شرح فصوص قیصری را نزد مرحوم سید محمد حسن الهی) برادر علامه طباطبایی) فراگرفت. ایشان مدت سی سال از محضر علامه طباطبایی استفاده کرد و از شاگردان خصوصی این استاد به شمار می‌رفت.

آیت‌الله انصاری در طول سالیان مبارزه با رژیم پهلوی، همواره در خط مقدم حضور داشت و یکی از مروجان اندیشه مرجعیت امام خمینی در آن روزگار بود. وی پس از حادثه مدرسه فیضیه، ضمن افشای ماهیت پلید رژیم شاه، بر عزم امام و ملت برای مبارزه تا پیروزی نهایی تأکید کرد. او به دشمنان هشدار داد که از اعمال سفاکانه خود دست برداشته و به محاصره و زندان امام ادامه ندهند، و گرنه خشم ملت را نمی‌توانند خاموش سازند. بر این اساس در ۸ مهر ۱۳۴۲ همراه با جمعی از فضلا و مدرسین حوزه علمیه قم، با ارسال نامه‌ای به هیأت دولت، خواستار آزادی امام خمینی و دیگر روحانیون از حصر شدند. سخنان روشنگر این عالم مجاهد در شهرهای گوناگون باعث شد تا رژیم شاه، ایشان را تعقیب و تهدید و شهرپور ۱۳۵۲، به مدت ۴ ماه در کوهدشت و سپس ۲۲ ماه در نائین تبعید کند... این حکیم‌متاله، تدریس علوم دینی را از آغازین سالهای طلبگی شروع کرد و تا اواخر عمر شریف خود به تدریس دروس بسیاری از جمله:لمعه، رسائل، مکاسب، کشف‌المراد، شرح تجرید، شرح منظومه، شرح اشارات، اسفار، شرح فصوص قیصری، تمهیدالقواعد، مصباح‌الانس، منازل السائرین و بخشی از بحارالانوار توفیق یافت و کتابهای بسیاری در زمینه‌های گوناگون تألیف نمود که از جمله آنها می‌توان به شرح منظومه (در ۴ جلد) و مجموعه اشعار اشاره کرد. ایشان همچنین جزوات و دست نوشته‌های بسیاری دارند که به چاپ نرسیده است.

بزرگی شأن و احترام شایان توجه این استاد فرزانه اخلاق در جامعه حوزوی و بزرگان دین به خاطر فلسفه‌دانی و استادی فلسفه نیست، بلکه آنچه ایشان را از همگان متمایز نموده، تقوا و ورع مثال‌زدنی است. شخصیتی در این

سیاسی – اجتماعی – فرهنگی

◀ شماره ۲۳

◀ شماره مسلسل ۱۴۹۳

◀ نیمه اول اسفند ۱۳۹۳

یادمان

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

جوان وی که در اثر کم دقتی در بیمارستان رخ داد، کمر استاد را شکست. با این همه او که قلبی به صفای آینه و دلی به زلالی آب داشت، جز شکر و حمد الهی سختی بر زبان نیاورد.

وجود مرحوم استاد انصاری شیرازی لبریز از محبت عارفانه نسبت به ائمهٔ معصومین علیهم السلام بود. عشق سرشار وی نسبت به مقام ولایت کلیهٔ الهیه صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مثال‌زدنی بود. گاه به مناسبت میلاد مسعود حضرت حجت(عج)، شعر حکیم و اصولی بزرگ مرحوم آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی را قرائت می‌نمود:

بی‌شاهدی و شمعِی هرگز مباد جمعی

بی‌لاله شور نبود مرغان خوش‌نوا را

برهم زنید یاران این جمع بی‌صفا را

مجلس صفا ندارد بی‌یار مجلس آرا

یاد مظلومیت پیشسویان راستین و بویژه حضرت صدیقهٔ طاهره سلام‌الله علیها قلبش را به آتش کشیده و اشکش بی‌اختیار سرازیر می‌شد.او ولایت و محبت اهل البیت علیهم‌السلام را بهترین سرمایهٔ حیات اخروی خود می‌دانست.

سخن آخر اینکه هرچند برخی از آثار استاد به همت بعضی از تلامیز ارجمند ایشان به چاپ رسیده و در اختیار علاقمندان قرار دارد، اما گمان می‌کنم آنچه بصورت مخطوط باقی‌مانده، نیز قابل توجه باشد. امید آنکه با تلاش گروهی از نخبگان تلامیز ایشان، شاهد انتشار سایر آثار آن مرحوم نیز باشیم.
غفر الله له و لنا. و الحمد لله رب العالمین.
مصطفی بروجردی تونس – ۱۴/۱۰/۱۳۹۳

درجه علم و معنویت، بعد از درس، کفش شاگردان خود را جفت می‌کرد و سالیان دراز عطر علم و معرفت، فلسفه و عرفان، تواضع و فروتنی را می‌افشاند.

برای آشنایی طلاب جوان حوزه‌ها، بی‌مناسبت نیست اشاره کنم که ایشان حتی پس از اشتغال به تدریس در حوزه نیز با فشارهای سخت مادی روبرو بود تا آنجا که مدتی مجبور شد در چادری در یکی از حجره‌های صحن عتیق حضرت معصومه(س) سکونت گزیند و ضمن زندگی زاهدانه، به درجات علمی – معنوی بالایی نایل شود و به تربیت طلاب بپردازد و در مراحل سیر و سلوک از طریقتی که در محضر علامه طباطبایی با آن آشنا شده بود، استفاده کند. ایشان نخست به تدریس فقه و اصول پرداخت و سالها رسائل و مکاسب را تدریس نمود، به ویژه که خود در درس اصول و فقه امام خمینی شرکت داشت؛ اما بعد از مدتی بیشتر به تدریس فلسفه همت گماشت و تمهیدالقوائد، فصوص‌الحکم، منظومه سبزواری و اسفار و مصباح‌الانس تدریس می‌کرد و گاهی به طور خصوصی و برای چند نفر معدود بود...

آیا آثار ایشان چاپ شده است؟

بعضی از آثارشان به چاپ رسیده است؛ مثلاً شرح منظومه سبزواری که در چهار جلد به چاپ رسیده و بسیار عالمانه و دقیق است.تلمذ آیت‌الله شیرازی در محضر علامه طباطبایی موجب ارتقای مقام علمی – فلسفی و عرفانی ایشان شد و آیت‌الله شیرازی علاوه بر دروس حکمت متعالیه از خصوصیات معنوی و اخلاقی و عرفانی علامه نیز بهره‌مند شد و در واقع یکی از شاگردان برجسته و معدود علامه در میدان «سیر و سلوک» بود.

علامه حسن‌زاده آملی، یکی دیگر از شاگردان علامه، در مورد شاگردان معظم‌له می‌گویند: «... هرچند بسیاری از افراد حوزه علمیه قم محضر انورش را درک کرده بودند، ولی جمعی را توفیق حضور بود و فقط در درس شرکت می‌کردند و فریقی را نصیب اطلاع به صورت اصطلاحات و بعضی را نبل عروج به معارج علمی و طایفه‌ای را به سیر سلوک علمی و قلبی‌ی را وصول به مقبتین علم و عمل بود» و بی‌تردید آیت‌الله شیرازی از این عده «قلیل» بود و در همین راستا بعضی‌ها او را «شیخ‌الاشراق قم» می‌نامیدند، رضوان‌الله تعالی علیه.

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی
۸ بهشت ◄ شماره ۲۳
جهان اسلام ◄ شماره مسلسل ۱۴۹۳
پست الکترونیکی : besatonline@gmail.com

در این مقاله ۴ چالش اساسی پیش روی وحدت اسلامی و نحوه مقابله با آن مورد بررسی قرار می‌گیرد تا گام‌هایی را در این زمینه به سمت جلو برداریم.

چالش اول ترویج پس زمینه‌های مذهبی برای هر اختلاف سیاسی است، گروهی از بوق‌های رسانه‌ای و سیاسی و رهبران دولت‌ها و دانشمندان سعی دارند تمامی اختلافات موجود در جهان اسلامی را بر اساس اختلافات مذهبی معرفی نمایند، این در حالی است که این اختلافات مذهبی نیست، بلکه سیاسی است، با این چالش می‌توان از راهکارهای متعددی مقابله کرد که من به ذکر برخی از آن‌ها می‌پردازم:

اول: باید به امت اسلام توضیح داده شود که اختلافات مذهبی تنها در نزد گروه‌های مبالغه جویی یافت می‌شود که دیگران را رد می‌کنند، آن‌ها مسائل مذهبی را با وجود اختلافات سیاسی یا بدون نیاز به مشکلات موضوعی مطرح می‌کنند، این رویکردها وقتی که مسلمانان را متحد می‌بینند، آرام و قرار ندارند. آن‌ها به صورت انگل‌هایی هستند که مستقیما در فضای اختلافات و بروز آتش فتنه زندگی می‌کنند. بنابراین ما باید توضیح دهیم که اختلافات مذهبی تنها در نزد این گروه مطرح است.

دوم: اختلافات مذهبی همچنین در نزد حاکمان مستبدی مطرح است که آن را از طریق ابزارها و امکانات خود ترویج داده و مواضع خود را از این طریق تفسیر می‌کنند. آن‌ها خود را مدعی حمایت از مذهب معرفی می‌کنند، در حالی که مواضع آن‌ها هیچ ارتباطی به اصول یا فقه یا راهکارهای مذهبی ندارد. آن‌ها به علت ناتوانی در قانع کردن مردم به افکار و اعتقادات خود به تحریک احساسات مذهبی مردم جهت جذب آن‌ها پناه می‌برند. ما باید این عناصر را رسوا کرده و به مردم توضیح دهیم که رویکردهای این افراد مبتنی بر هیچ خاستگاه مذهبی نیست، بسیاری از آن‌ها حتی جهت قبله را نمی‌دانند و نماز نمی‌خوانند و چیزی از اسلام نمی‌دانند.

سوم: حامیان اسلام اصیل به دنبال ایجاد اختلافات مذهبی نیستند و از آن برای رسیدن به اهداف خود استفاده نمی‌کنند. وقتی که ما به ۳ موضوع اساسی در جهان اسلام نگاه می‌کنیم ، می‌بینیم که این مسائل کاملا سیاسی هستند و هیچ بُعد مذهبی ندارند.

موضوع اول: مقابله با آمریکا و پروژه‌های سیطره طلبانه آن در منطقه.

موضوع دوم: مقابله با اسرائیل که فلسطین را اشغال کرده و خشونت در منطقه را دنبال می‌کند.

موضوع سوم: مبارزه با تکفیری هایی که با مسلمانان

اعم از سنی و شیعه و غیر مسلمانان از در جنگ بر آمده‌اند. این ۳ موضوع محوری کاملاً سیاسی هستند و مهم است که ما مواضع عملیاتی که عدم مذهبی بودن مواضع سیاسی را ثابت می‌کند، برجسته نماییم، من در این زمینه به برخی از مواضع حاضر در جهان اسلام که نشان دهنده اختلافات سیاسی – و نه مذهبی – است اشاره می‌کنم. الف: موضع ایران بر ضد اشغالگری آمریکا در افغانستان ، عراق و اشغالگری رژیم اسرائیل در فلسطین. ب: اختلافات در مصر، لیبی، تونس و بین ترکیه و مصر یا بین عربستان سعودی و قطر همه اختلافات سیاسی هستند، چرا که همه طرف‌های مربوط به این اختلافات از یک مذهب واحد هستند، اما با این وجود اختلافات زیادی در کشورهای آن‌ها به وجود آمده است. ج: پروژه تخریب سوریه مورد اختلاف کشورهای عربی و اسلامی قرار گرفته است، عده ای این پروژه را تأیید و برخی به آن اعتراض دارند. این مواضع تابع همراهی با پروژه‌های آمریکایی و اسرائیلی در سطح منطقه یا مخالفت با آن است و هیچ ریشه مذهبی ندارد. د: مقاومت در فلسطین حامیان و منتقدان خاص خود را دارد، این موضوع نیز به مسائل مذهبی یا اقتصادی مربوط نمی‌شود بلکه چهارچوبی سیاسی دارد.

ه:مقاومت حزب‌الله لبنان در برابر رژیم اسرائیل نیز ربطی به ملاحظات مذهبی بین مسلمانان ندارد،هم‌بستگی موجودبین حزب الله لبنان و گروه‌های مقاومت فلسطین با وجوداختلاف مذهبی و اعتقادی دلیل محکمی براین مدعااست. همچنین اخیرا حالتی از هم‌بستگی داخلی در لبنان به وجود آمده و همه به این دیدگاه رسیده‌اند که باید این موضوع مطرح شود که عناوین مذهبی هیچ ربطی به این اختلافات ندارد به همین منظور دیدارهایی بین حزب الله لبنان و جریان المستقبل در این کشور برگزار شد تا التهاب مذهبی موجود از بین برود و مقابله با تروریسم به‌صورت جمعی صورت گیرد.

بعد از سختی های طولانی این واقعیت در لبنان برای همه روشن شد که مشکل این کشور هرگز مشکل مذهبی نبوده است. حزب‌الله لبنان تلاش‌های فشرده را در این زمینه انجام داد و سختی‌های زیادی را متحمل شد تا به همه ثابت کند که این اختلافات سیاسی است و مذهبی نیست.

امروز مشخص شد که حزب‌الله با رژیم اشغالگر اسرائیل و رویکردهای تکفیری که همه مسلمانان و همه مردم را تکفیر می‌کنند و همچنین با سیطره طلبی آمریکا که به دنبال تسلط بر کل منطقه است، مقابله می‌کند. ما امروز در لبنان نمونه مهمی را ارائه دادیم که نشان می‌دهد اختلافات موجود مذهبی نیست بلکه اختلافات کاملاً سیاسی است و ان شاء الله مقاومت پیروز شده و دستاوردهای بزرگی خواهد داشت.

و: اتفاقات بحرین که از حدود ۴ سال پیش آغاز شده، عین مطالبه عدالت است و ملت می‌خواهد نمایندگانی در

چهار چالش فراروی امت اسلام از نگاه شیخ نعیم قاسم

تروریستی و دشمن خود مقابله کنیم.

راه حل تعامل با این پدیده از چند محور شکل می‌گیرد که اولین آن‌ها برعهده علما و دانشمندان است که باید خود را نشان دهند، همان طور که در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده ، این یک مسئولیت شرعی است: ایشان می‌فرمایند «إِذَا ظَهَرَ الْبَدْعُ فِی أُمَّتِی فلیظْهَرِ الْعَالَم علمه، فمن لم یفعل فلعنهُ الله». (اگر بدعت‌ها در امت من بروز پیدا کرد،علما باید علم خود را ابراز کنند، و هر کسی که این کار انجام ندهد لعنت خداوند بر او باد. دومین راه حل ضرورت مقایسه بین قوانین اسلام به عنوان دین رحمت و پروژه تکفیری ها است، این مقایسه باید همواره در مواضع ما مطرح باشد تا مردم را با تفاوت‌های بین اسلام و جریان تکفیری و دین رحمت و جنایت و جرم آشنا کنیم، این مسئولیت ماست.

محور سومین راه حل، تقویت دیدارها و نشست‌هایی است که وحدت اسلامی برای تقابل با این چالش را نشان می‌دهد. خداوند در آیه ۱۱۰ سوره کهف می‌فرماید: (قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مُّثَلِّمٌ یُوحِیْ إِلَیَّ أَنَّمَا إِلَهُکُمُ إِلَهِ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ یَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلِیُؤْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرَکْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا). بگو: «من فقط بشری هستم مثل شما (امتیاز این است که) به من وحی می‌شود که تنها معبودتان معبود یگانه است پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد ، باید کاری شایسته انجام دهد ، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.

چهارمین راه حل اهتمام حوزه‌های علمیه و مدارس دینی برای ترویج شریعت با دیدگاه باز و مسامحه جو است. من امیدوارم که ما در حوزه‌های علمیه و مدارس دینی بر این محور متمرکز شویم، چرا که آن‌ها از همین مراکز برای ترویج تکفیری استفاده می‌کنند.

چالش چهارم پیش روی جهان اسلام وابستگی به آمریکا و غرب به بهانه نیاز به پیشرفت‌های علمی آنها و و مخفی شدن پشت سلطه این جریان‌ها است. تعامل با این چالش در نشان دادن این نکته است که آزادی و استقلال حقی مشروع است. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «وقتی که خداوند متعال تو را آزاد آفریده، خود را بنده دیگری قرار نده». این موضوع با ضرورت تعهد و پابندی به منافع ملی در ایجاد مناسبات با کشورهای بزرگ نیز ارتباط دارد و طبعاً باید در این ارتباطات هم‌بستگی ملی بین گروه‌ها و دولت‌های اسلامی مد نظر قرار گیرد. این نوع رفتار، غرب را مجبور می‌کند که بر اساس مطالبات ما با ما تعامل کند.

اگر ما در مسیر حل این ۴ چالش اساسی (رد مذهبی سازی اختلافات سیاسی، اولویت دادن به آرمان فلسطین، مقابله با جریان تکفیری و رد وابستگی به غرب) گام برداریم، اختلافات جزیی بین ساختارهای امت اسلامی کمتر خواهد شد و دستاوردهای مهمی در مسیر وحدت اسلامی محقق خواهد گشت.

آل خلیفه از دستگاه قضایی بعنوان ابزار سرکوب استفاده می‌کند

در این گزارش آمده است: در بررسی تحلیلی وضعیت دادگاه ها ومحاکمه بیش از ۲۰۰ نفر به اتهام تروریسم واقدام علیه امنیت ملی مشخص شد که این دادگاه ها نقش کلیدی در سرکوب مخالفان دارند.

آزادیخواهان بحرینی حاضر در این کنفرانس خبری اعلام داشتند که دادگاه ها به طور روزمره معترضان مسالمت آمیز سیاسی را محاکمه و به زندان محکوم می کنند اما به ندرت پیگیر قتل فعالان سیاسی بدست نیروهای امنیتی رژیم هستند.

آنان همچنین در حضور تنی چند از نمایندگان پارلمان رسماً اعلام کردند که مردم بحرین با ایجاد پایگاه نیروی دریایی بریتانیا در کشورشان مخالفند و آن را چراغ سبزی به رژیم آل خلیفه می دانند که می تواند به رفتارهای خود علیه مردم ادامه داده و از مجازات هم مصون باشد.

این فعالان سیاسی افزودند: درحالی که همه گزارش های مجامع بین المللی مستقل حقوق بشر حاکی از آن است که هیچ نشانه ای از تغییرات سیاسی وجود ندارد و مردم همچنان تحت فشار هستند ، بسیار ناامید کننده است که دولت انگلیس بدون توجه به این گزارش ها همچنان به حمایت های خود از رژیم آل خلیفه ادامه می دهد.

داخل مجلس نمایندگان داشته باشد و در اداره حاکمیت خود نقش ایفا کند، این یک موضوع مشروع و بخشی از حقوق بشر است. ملت بحرین از راهکارهای مسالمت‌آمیز مبارزه می‌کند و دیدگاه هایی سیاسی مطرح می‌نماید، اما مقامات این کشور این دیدگاه‌ها را بررسی نمی‌کنند و در مقابل با سرکوبگری با آن مواجه می‌شوند. تازه ترین این اقدامات نیز بازداشت ظالمانه و تجاوز کارانه شیخ علی سلمان دبیر کل جمعیت وفاق بحرین است.

ما باید این مواضع را در جهان اسلام برجسته کنیم تا بتوانیم با چالش مذهبی سازی مسائل سیاسی مبارزه نماییم. چالش دوم که در منطقه مطرح است، دست برداشتن از آرمان فلسطین از سوی تعداد زیادی از کشورها و سازمان‌های جهان اسلام است، آن‌ها به بهانه ضعف و ضرورت سازش، این روند را در پیش گرفتند: ما معتقدیم که راهکار حل این مشکل با چند موضوع محقق خواهد شد. اول: پابندی به حق آزاد سازی در ارائه مواضع و ادبیات و گفتمان رسانه ای و ابراز آن از طریق تمامی ابزارهای ممکن.

دوم: تأکید بر مسئولیت همگانی در این زمینه که آرمان فلسطین یک موضوع فلسطینی نیست، بلکه آرمانی عربی و اسلامی و انسانی است که هر فردی در این دنیا مسئولیت آن را بر دوش می‌کشد، چرا که نشان دهنده مبارزه با ظلم و تجاوز و اشغال است.

سوم: مطرح‌شدن این نکته که آزادسازی فلسطین اولویت اصلی ما است و ما مواضع خود در مورد مسائل مختلف را به تعیین این اولویت مرتبط می‌کنیم. به عبارت دیگر ما باید در برنامه‌های عملیاتی خود اولویت آزادسازی را در درجه اول قرار داده و هر چیزی که مغایر آن باشد را کنار گذاشته و هر موضوعی در راستای آن را مورد تأکید قرار دهیم.

چهارم: همه باید در کنار مقاومت به عنوان تنها گزینه آزادسازی فلسطین جمع بشوند. آزادی فلسطین از طریق شورای امنیت یا سازش یا برگزاری کنفرانس‌ها محقق نخواهد شد.

فلسطین تنها با سلاح مقاومت شریف آزاد می‌شود و حزب الله لبنان و مقاومت فلسطین ثابت کرده که اسرائیل جز زبان زور را نمی‌فهمد و اسرائیل با خروج همراه با شکست از لبنان که به برکت بازو و سلاح‌های مقاومت به دست آمد، به این موضوع اعتراف کرد. ما باید روی این گزینه متمرکز شویم.

سومین چالش موجود در مسیر جهان اسلام رویکرد تکفیری است که به دنبال از بین بردن شاخص ها و اصالت اسلام است، تکفیر یک رویکرد کاملاً ضد اسلامی است. برخی سعی دارند مشکل تکفیر را به برداشت‌های غلط از اسلام نسبت دهند، این در حالی است که تکفیر هیچ ارتباطی با اسلام و اهل سنت و جریان تشیع و قرآن و پیامبر اکرم ندارد. ما باید با تکفیر به عنوان یک جریان

که مطابق یک قانون مصوب ، ۷۲ نفر از شهروندان این کشور را سلب تابعیت کرده ومدعی شد که ۱۰ نفر از آنان از حامیان داعش بوده‌اند . در حالی که گروه الوفاق اعلام کرد که تمامی افراد سلب تابعیت شده از مخالفان سیاسی بوده‌اند که خواهان ایجاد تغییرات از طریق مسالمت آمیز وبا شیوه های دموکراتیک بوده‌اند.

شرکت کنندگان در این نشست همچنین تاکید کردند گفتگو ها با رژیم بحرین تاکنون به شکست منجر شده است زیرا این گفتگوها، مردمی را که بعنوان مخالفان خیابانی خواهان تغییر سلطنت مطلقه از طریق انتخابات آزاد هستند شامل نشده است .بنابراین هیچ اصلاحات سیاسی واقعی نمی تواند وجود داشته باشد در حالی که حمایت از دموکراسی ومقوق بشر جرم شناخته می شود .همچنین هیچ نشانه ای از کاهش بازداشت های گسترده وخودسرانه مردم وفعالان سیاسی توسط نیروهای امنیتی رژیم مشاهده نمی شودو این در حالی است که رژیم همچنان از سفر گزارشگر سازمان ملل به بحرین برای بررسی وضعیت شکنجه شدگان نیز ممانعت می کند.

همچنین در این جلسه گزارشی که اخیرا دیده بان حقوق بشر سازمان ملل درباره وضعیت دادگاههای بحرین منتشر کرده است قرائت شد.

هدف اصلی داعش مکه و مدینه است

سید«حسن نصرالله» دبیرکل حزب‌الله لبنان طی سخنانی در مراسم بزرگداشت فرماندهان شهید مقاومت اسلامی در بیروت، باتجلیل از شهدای مقاومت و فرماندهان شهید گفت: ما نیازمند آن هستیم که همواره یاد شهدا را زنده نگه داریم و هر روز و هر ساعت از آنان درس وفاداری و رشادت بیاموزیم. نصرالله با محکوم کردن جنایت فجیع داعش در اعدام مسیحیان مصری در لیبی، تاکید کرد که این اقدام زشت در هیچ منطق و آیینی قابل پذیرش نیست. ما این مصیبت را تسلیت می‌گوییم مصیبتی که مسلمانان و مسیحیان را در بر گرفته است و هر انسانی که دارای وجدان و اخلاق است را به درد آورده است. وی در ادامه سخنانش با تمجید از رهبران شهید مقاومت اظهار داشت: هر سال در چنین روزی سالگرد شهادت فرماندهان شهید را گرامی می‌داریم. شهید سید عباس موسوی دبیرکل شهید ما استاد ما بزرگوار ما و همسر گرامی ایشان شهیده ام یاسر و شهید شیخ راغب حرب شهید شهدای مقاومت و مجاهد بزرگوار عماد مغنیه را هم تسلیت می‌گویم.

دبیر کل حزب الله افزود: اینها نماد و سمبل ثبات و پیروزی ما هستند امروز را برای خودمان و فرزندانمان و نسل آینده خودمان گرامی می‌داریم. ما این مناسبت را گرامی می‌داریم چرا که گذشته نه چندان دور را نمی توانیم فراموش کنیم. این گذشته نه چندان دور است که آینده و حال ما را می سازد. با گرامیداشت این مناسبت هوشیاری را نزد خود و خانواده هایمان زنده نگه می‌داریم. در طول این مدت جنگ‌های بی شماری را پشت سر گذاشتیم و مقاومتی که در فلسطین شکل گرفت و مقاومتی که امام موسی صدر آن را راه اندازی گرفتند و می رسمیم به روزهای انقلاب اسلامی ایران که به رهبری امام خمینی بنیانگذاری شد. تا اینکه به مرحله کنونی می‌رسیم که مرحله تجاوزهای اسرائیلی است و مرحله مقاومت رزمندگان محور مقاومت است. رهبر مقاومت اسلامی لبنان در ادامه با اشاره به وقایع منطقه و تاثیر آن بر لبنان افزود: لبنانی‌ها چه بخواهند و چه نخواهند، کشورشان تحت تاثیر تحولات منطقه قرار خواهد گرفت و همه وقایع منطقه بر لبنان تاثیر می‌گذارد. نصرالله در ادامه با اشاره به اقدام امروز خلیفه خودخوانده داعش در تعیین امیر برای مکه و مدینه گفت: هدف اصلی داعش، مکه و مدینه است، نه بیت المقدس. پس همه ملتها و حکومتهای منطقه باید در برابر این خطر بزرگ با هم متحد شوند.

وی ادامه داد: رد پای داعش را در موداس اسرائیل و در سی.آی.ای آمریکا و سازمان جاسوسی انگلیس بجوید. هر عملی که داعش انجام داده صد در صد به نفع صهیونیستها بوده است.

به گفته نصرالله، همه مسلمانان باید برای دفاع از دین خود به پا خیزند و مقابله با این جریان تکفیری، در واقع دفاع از اسلام و از دین محمد بن عبدالله (ص) است. دبیرکل حزب الله تاکید کرد: کشورهای منطقه و جهان باید به برخی از کشورهای منطقه که هنوز از داعش حمایت می‌کنند، یادآوری کنند که «بازی داعش به نام اسلام به پایان رسیده است».

وی ادامه داد: آمریکا به بهانه مبارزه با داعش، منابع کشورهای منطقه را غارت می‌کند و کشورهای عربی خلیج فارس باید با روشی متفاوت به پرونده های منطقه نگاه کنند، چون این خطر همه را تهدید می‌کند و عراقی‌ها که در برابر داعش ایستادند، تروریست‌ها را از رسیدن به کویت و عربستان باز داشتند.

نصرالله درباره وقایع یمن گفت: در یمن یک انقلاب مردمی و حقیقی در جریان است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و همین انقلاب است که در برابر القاعده و داعش ایستاده است.

نقش مدارس مذهبی پاکستان در حملات تروریستی این کشور

دو واقعه رنگ و بوی مذهب و جهاد دارند ولی هر دو موضوع به غایت سیاسی هستند.

با اشغال افغانستان از سوی ارتش سرخ شوروی و آغاز مبارزات مردم افغانستان برضد ان ، عربستان سعودی و امریکا حدود ۳/۵ میلیارد دلار در اختیار دولت پاکستان قرار دادند تا جهاد در افغانستان را رونق بخشد. قسمت قابل توجهی از « عملیات گردباد » سازمان سیا برای آزادسازی افغانستان از اشغال ارتش سرخ شوروی، تاسیس مدارس دینی در پاکستان بود تا طلاب آموزش دیده در این مدارس به مبارزین یا جهادیون در افغانستان تبدیل شوند و در مقابل شوروی بجنگند. این مدارس مذهبی در اولین گام ، جهاد با کفار را آموزش می دادند تا طلاب خود را آماده جنگ با کفار کمونیست کنند . لیکن با توجه به ماهیت استادان این مدارس که اکثر قریب به اتفاق آنان تحصیل کردگان آموزشگاه های افراطی عربستان سعودی بودند چاشنی دروس آنان آموزش عدم بردباری مذهبی و مالا کافر و مشرک پنداشتن هر که ، به جز پیرو مکتب سلفی و وهابی بود.

لذا در خلال سالهای جهاد افغانستان ، حاکمیت و به ویژه ارتش و سازمان اطلاعات ارتش پاکستان (آی . اس . آی) خواسته یا ناخواسته با اراده خود حجم زیادی از ادبیات افراط گرایانه و فرقه گرایانه را در سطح کشور منتشر و تعداد فوق العاده زیادی از جوانان را با این ادبیات آموزش دادند.

در دوران ضیاء الحق بر ای اولین بار در تاریخ پاکستان، حکومت به حمایت مالی از توسعه آموزش‌های مذهبی پرداخت و حتی پرداخت زکات در طول دور ان حکومت ضیاء بر ای تامین هزینه مدارس مذهبی بر ای شهروندان پاکستانی اجباری شد .

دولت تصمیم گرفت پول زکات را به تأسیس مدارس اهل حدیث و ضد شیعه تخصیص دهد و خود شروع به تأسیس مدارس نمود. بنابراین ضیاءالحق حمایت اقتصادی و سیاسی از افراطیون سنی را تقویت کرد و آنان را در مقابل جریان شیعه قرار داد و تنش های قومی محدود را تبدیل به سیاست های فرقه ای گسترده نمود. در همین راستا مساعدت های مالی از جانب عربستان سعودی ، لیبی، کویت و سایر کشورهای عربی منطقه در جهت تأسیس مساجد و مدارس با وابستگی های فرقه ای در پاکستان تقویت شد که آنها نیز نقش به سزایی در انتقال اختلاف شیعه و سنی به یک تضاد فرقه ای در سطح وسیع تر ایفا کردند .

بطور متوسط هزینه مالی عربستان در این خصوص سالانه به ۳۰۰ میلیون دلار می رسد.

به همین دلیل جایگاه مدارس مذهبی به عنوان ابزاری در جهت تسهیل چرخه فرقه گرایی در پاکستان بیش از پیش تقویت شد . براساس آمار دولتی هم اکنون ۳۱هزار مدرسه مذهبی ثبت شده در پاکستان مشغول فعالیت هستند و به رغم این که آمار دقیقی از مدارس ثبت نشده در دست نیست گفته می شود که تعداد آن ها از مدارس ثبت شده بسیار بیشتر است.

گفته می شود بیش از دوازده هزار مدرسه مذهبی با گرایش رادیکال در پاکستان وجود دارند که به لحاظ مالی به صورت مستقیم به حمایت دولتی وابسته نیستند.پیروان اهل حدیث در پاکستان نسبت به بریلوی ها و دیوبندی ها در اقلیت قرار دارند ولی به دلیل عقاید متعصبانه سلفی و وهابی شان مورد حمایت عربستان بوده و با علما و مجامع دینی سعودی ارتباط نهادینه و قوی دارند.

اهل حدیث طیف گسترده ای از عقاید را در درون خود پوشش می دهند. برخی جهاد نظامی را واجب عینی دانسته و برخی آن را در حال حاضر خلاف شرع می دانند. مدارس مذهبی اهل حدیث کاملاً تحت نفوذ عربستان بوده و بخش قابل توجهی از طلاب این مدارس غیر پاکستانی هستند. پیروان اهل حدیث حدود ۱۷ سازمان و حزب و گروه تشکیل داده اند که هر کدام در یکی از شاخه های سیاسی، سیاسی مذهبی ، تبلیغی مذهبی ، تبلیغی فرقه ای ، جهادی ، تبلیغی ، آموزشی و فرقه ای فعالیت می کنند.

در برخی از این مدارس افراطی اغلب به دانش

دستگاههای امنیتی پاکستان نیز ضمن تأیید نقش مدارس مذهبی در حملات تروریستی و تقویت گروههای فرقه گرا از دولت خواسته اند تا اقدامات جدی برای مقابله با آنها اتخاذ کند.

در تازه ترین حمله گروههای تروریستی و فرقه گرا به حسینیة ای در شهر شکارپور ایالت سند بیش از ۶۰ تن کشته و دهها تن نیز مجروح شدند.گروه تروریستی موسوم به جندا.. مسئولیت این حمله را برعهده گرفته است .از اینرو شناسایی مدارس مذهبی در پاکستان می تواند نقش آنها را در گسترش خشونت و فرقه گرایی در این کشور نشان دهد .بسیاری از مدارس دینی که خشونت و فرقه گرایی را در این کشور ترویج می کنند منتصب به فرقه دیوبندی هستند .

از لحاظ مذهبی، ۲۰ درصد از ۱۷۵ میلیون جمعیت پاکستان را شیعیان و مابقی را اهل تسنن حنفی تشکیل می دهند. در میان اهل سنت پاکستان می توان دو فرقه «دیوبندی» و «بری لوی « را کاملاً مشخص و شناسایی کرد . در بین مسلمانان سنی مذهب و حنفی پاکستان ،یک اقلیت افراطی و رادیکال به نام دیوبندی وجود دارد که به دلیل روش های تروریستی اقداماتشان بسیار پرسر و صدا است.

بری لوی ها دیگر فرقه مذهبی پاکستان مسالمت جو هستند و حتی در برخی مراسم اهل تشیع مثل عزاداری های ایام محرم هم شرکت می کنند اما دیوبندی ها ناسازگار هستند و این جریان اساسا یک جریان شبه قاره ای است و این رادیکال بودن آنها به خاطر آموزه های فرقه ای است و به لحاظ تجربی در زمانی که شبه قاره خواست از هندوستان جدا بشود این ها یک خط مشی مسلحانه ای را علیه انگلیس پیش گرفته بودند و به همین خاطر جهاد مرکز ثقل این تفکر است.

نحله فکری دیوبندی با تأسیس مدرسه ای به نام دارالعلوم دیوبند توسط مولانا قاسم نانوتهاوی در شمال هند در ۱۸۶۶ موجودیت یافت. از نظر فرقه ای ،اکثر دیوبندی ها پیرو اهل حدیث و سلفیه هستند. این جمعیت در اعتقادات خود خشک و متعصب بوده و پرخاشگر و ستیزه جو هستند، با فرق دیگر اسلامی اعم از اهل سنت و شیعه همواره درگیر بوده و به جز خود هیچکس را مسلمان نمی دانند. اینان از ابتدا تا حدود سه دهه قبل به دلیل قلت جمعیتشان در اکثریت مستحیل بودند و جز در موارد معدود درگیری در مراسم عزاداری ماه محرم با شیعه وسنی و یا در جشن هایی نظیر میلاد النبی یا سنی وشیهه ، بروز چشمگیری نداشتند.

دیوبندیسم، جریانی بومی و منطقه ای است اما وهابیسم جریانی وارداتی در منطقه است که این دو در پاکستان باهم گره خورده اند. در تفکر دیوبندیسم سه اصل وجود دارد.نخست اینکه پاکستان یک کشور اهل سنت است .دوم اینکه شیعه جایی در پاکستان ندارد و همه شیعیان منافق هستند و واجب القتل سوم اینکه پاکستان نباید با ایران رابطه داشته باشد. این متغیر بعد از انقلاب اسلامی اضافه شده است. عملیات انتحاری ماثثر از تعلیم دیوبندیسم است.

بین دیوبندیسم و وهابیسم ارتباط تنگاتنگی برقرار است. سابقه ورود وهابیت به شبه قاره هند طولانی است یعنی همزاد با شکل گیری وهابیت است. اما در پاکستان بعد از استقلال، این اتفاق حادث شد.

فقر گسترده ،مساله کشمیر و اشغال افغانستان از سوی ارتش سرخ شوروی از جمله عواملی بودند که نفوذ وهابیت و رادیکالیسم را تحت پوشش جهاد در پاکستان تسریع کردند.

از آنجا که پاکستان به وسیله رهبران موسس آن ،یک کشور دموکراتیک مدرن و نه یک حکومت مذهبی تعریف شده بود ، علمای دینی احساس می کردند منزوی و به حاشیه رانده شده اند. برخی از آنها از روی اعتقادات مذهبی و برخی با محرک های اقتصادی و قدرت طلبانه وارد عرصه سیاست شدند و برای تحقق اهداف خود فرقه گرایی ، افراط گرایی و خشونت را ترویج کردند.

بدون تردید اشغال افغانستان و پیش از ان قیام برای ازاد کردن کشمیر از دست هند در گسترش افراط گرایی در پاکستان تاثیر مهمی داشته اند. گرچه ظاهر هر

ادامه از صفحه اول

تبیین اندیشه تاسیس حکومت اسلامی سید قطب

بنا بر این گزارش، در ادامه جلسه همایش، آیت‌الله سیدهادی خسروشاهی در سخنرانی خود با موضوع «اندیشه سیاسی سید قطب»، در ابتدا اشاره‌ای به زندگی سید قطب کرد و گفت: سید قطب ابراهیم حسین شازلی در سال ۱۹۰۶ در روستای موشا از توابع استان اسیوط در منطقه السعید مصر به دنیا آمد. در ۱۰ سالگی حافظ کل قرآن شد و عضویت حزب وفد را در دوره دانشجویی در قاهره پذیرفت، اما طولی نکشید که از آن حزب بیرون آمد. مدتی هم با بورسیه وزارت آموزش و پرورش مصر، به آمریکا سفر کرد که در کتاب «امریکا الی رأیت» محصول آن را نوشته است.

استاد خسروشاهی در تبیین اندیشه سیاسی سید قطب درباره نوع حکومت اسلامی، اظهار کرد: اندیشمندان همواره برای ایجاد تحول بنیادین برنامه حساب شده‌ای دارند. اندیشه سید هم دارای چهار عنصر است: پویا بودن مفاهیم، بنیادها، روش‌ها و هدف‌ها. سید این عناصر چهارگانه را همیشه در نظر داشت و در کتاب «تفسیر فی ظلال القرآن» به نحوی این اندیشه را به تصویر می‌کشد و البته می‌گوید که از بچگی قرآن را می‌خواند اما هنر آن را درک نکرده بودم.

وی افزود: سید درباره حکومت اسلامی در دو کتاب «العدالة الاجتماعية فی الاسلام» و «السلام العالمی فی الاسلام» کلیاتی را بیان نموده و از ورود به جزئیات خودداری می‌کند. پس از دوران پیامبر اکرم (ص) وی خلافت دو خلیفه نخستین را می‌پذیرد، اما خلافت خلیفه سوم را نمی‌پذیرد. و معتقد است که اگر حضرت علی (ع) بعد از دو خلیفه نخستین به خلافت می‌رسید، - قبل از اینکه بنی امیه شاخ و برگ بگیرد - وضع جور دیگری می‌شد و تاریخ اسلام تغییر می‌یافت. البته بنی سعود این قسمت‌ها را در تجدید چاپ کتاب وی حذف کرده است، اما در چاپ‌های قدیمی‌تر وجود دارد.

آیت‌الله خسروشاهی اظهار کرد: سید درباره خلیفه سوم به اعتراف عجیبی می‌پردازد. و می‌نویسد: کسانی که نگرش اسلامی دارند باید بپذیرند که انقلاب علیه عثمان با روح و روش اسلام نزدیک‌تر بوده است. (العدالة الاجتماعية فی الاسلام ص ۲۸۰). در مورد نوع حکومت سید عقیده دارد فرمانروایان اگر عدالت اجتماعی نداشته باشند حاکمیتشان ملغی است و مشروعیت ندارد. شورا را نیز اصلی برای پویایی حیات اجتماعی می‌داند و می‌گوید نظام اسلامی بدون شورا پابرجا نخواهد بود. وی در بحث خود در توضیح اینکه آیا نظام اسلامی، نظام دموکراتیک است، می‌گوید لزومی ندارد که برای تبیین اندیشه‌های خود از کلمات و اصطلاحات غربی‌ها استفاده کنیم و باید بگوئیم که نظام اسلامی نظام مبتنی بر حکم «الله» است.

وی با اشاره به نوع اندیشه رهبری و حکومت در سازمان اخوان المسلمین، گفت: یکی از مشکلات اخوان المسلمین در چگونگی انتخاب مرشد است که شخص اکبرالسن را ملاک برای انتخاب به مقام رهبری قرار داده‌اند. در جریان شکست اخیر دولت اخوان، علت آن اندیشه و انگیزه نبود، بلکه موانع آن‌ها زیاد بود. رئیس منتخب آن‌ها ابتدا به دین بنی سعود رفت و بعد هم که به ایران آمد دیدیم در همایش بین‌المللی برای خوشامد سلفی‌ها و بنی سعود چه چیزهایی گفت؟ و بعد هم با رهبر معظم انقلاب اسلامی ملاقات نکرد و رفت. در نهایت آل سعود یک سنت هم به آن‌ها کمک نکرد.

استاد خسروشاهی اظهار کرد: آخرین مرحله فکری سید در مورد حکومت اسلامی در کتاب «معالم فی الطريق» آمده است که پس از دو بار زندانی و شکنجه شدن آن را تألیف کرد و جامعه را به جامعه بدتر از جاهلیت صدر اسلام تشبیه نمود. مراد وی البته تکفیر جامعه نبوده است؛ اما افرادی مثل ایمن الظواهری مسئله را به طور صحیح

همایش بررسی اندیشه‌های سید قطب در دانشگاه تهران

اسلام‌گرایی در جهان عرب شده، سید قطب است. به طور قطع سید قطب نقش جدی بر حرکات آزادی بخش و نهضت انقلابی مسلمانان داشته است، امروز از تقسیم جامعه به اسلامی و جاهلی از سوی سید قطب، نتیجه عکس گرفته می‌شود.

استاد رحیم پور از غدی در ادامه سخنانش افزود: در تفسیر تفکر متفکرانی چون سید قطب به دلیل تحولات دنیای اسلام اشتباهاتی صورت گرفته است و بر جهان اهل سنت و حتی بر انقلابیون شیعه تأثیر مثبت داشته ادبیات مقالات و مطالب سید قطب شبیه آن چیزی است که شهید نواب صفوی عنوان کرده است.

رحیم‌پور از غدی اظهار کرد: بازگشت به اسلام و خلوص اسلامی مفاهیمی است که سید قطب آموزش دیده بود، تعبیر تکفیر، سلفی‌گری و جهاد همه شعارهای درستی است که با مفاهیم مختلف به کار رفته و در هر مکتب مرز مشخصی دارد. اینکه عنوان می‌شود متد جریان‌های تکفیری امروز از سید قطب تأثیر گرفته بیان درستی نیست، تفاوت‌های بسیار جدی بین آنچه سید قطب با آنچه اخوان، سلفی‌ها و تکفیری‌ها بیان می‌کنند وجود دارد.

این محقق و نویسنده کشورمان تصریح کرد: تفکر سید قطب درباره مفهوم جهاد، شهادت و روابط جهانی بر تفکرات انقلاب اسلامی بسیار نزدیک است، تقریباً در هیچ کدام از کشورهای عربی اجازه توزیع کتاب‌های او داده نمی‌شود، کتاب‌های او در عربستان به دلیل این‌که ادبیات او به نفع آل سعود، آمریکا و اسرائیل نبوده و به انقلاب اسلامی نزدیک است جمع‌آوری می‌شود، این ادبیات سید امروز بین اخوان ضعیف شده است.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی عنوان کرد: بهترین حلقه وصل انقلاب اسلامی با انقلابیون اهل سنت، سید قطب است، سید قطب می‌گوید اسلامی که آمریکا گسترش دهد تا مسلمانان با استعمار و صهیونیست مبارزه نداشته باشند اسلام نیست. آمریکا، اسلامی را می‌خواهد که حکومت نداشته و با ظلم نجنگد. رحیم‌پور از غدی بیان کرد: امروز جریان‌های تکفیری بر اساس همان اسلام آمریکایی نه تنها با آمریکا و اسرائیل به عنوان استکبار جهانی مبارزه نمی‌کنند بلکه به نفع آنها با مسلمانان می‌جنگند، استعمار غرب می‌داند که اگر مسلمانان متحد شوند چه قدرت عظیمی خواهند یافت آنها تلاش می‌کنند تا عقیده واحد مسلمانان را از آنها گرفته و اسلام را غیرعملی نشان دهند. سید قطب اعتقاد داشت دین اسلام انسانی و جهانی بوده و صرفاً عربی نیست. او خود را غرب زده نمی‌داند و از کلمات غربی استفاده نمی‌کند و بیشتر از تعابیر قرآنی استفاده می‌کند.

این استاد حوزه و دانشگاه ابراز کرد: سید قطب در مبارزه علیه انگلیس نخست‌بست با جمال عبدالناصر متحد می‌شود اما با اختلافاتی که به خاطر اسلام با جمال عبدالناصر پیدا کرد به زندان افتاد و شکنجه شد، تعامل او با جمال عبدالناصر شبیه تعامل نواب صفوی و مصدق بود. جامعه جاهلی که سید قطب به آن اشاره دارد جامعه ای است که به سبک و شیوه توحیدی زندگی نمی‌کند عنوان مقالات سید روشنفکرانه و مجتهدانه است این ادبیات تکفیری نیست او علم‌زدگی را ضد توحید می‌داند، او هفت ویژگی برای مکتب اسلام برشمرده یکی ربانی باشد، اصول ثابت الهی داشته باشد، واقع‌گرا باشد، اسلام عمل‌گرا، هماهنگی و انسجام، جهان شمول بودن آن و توحید در عمل رعایت شود.

رحیم پوراز غدی خاطرنشان کرد: تکفیری‌های امروز اجتهاد را تعطیل کردند به عدالت اقتصادی اعتقاد ندارند حرف‌های آنها ظاهراً اصلاح‌طلبانه اما برخلاف همه مذاهب الهی است در حالی که سید قطب با اجتهاد موافق بوده و افسوس می‌خورد که این امر متوقف شده است و همچنین منفورترین پدیده در اسلام را نابرابری اقتصادی عنوان می‌کند و درباره زنان دیدگاه او با تکفیری‌ها کاملاً متفاوت است. سید قطب می‌گوید: فقط امیرمومنان (ع) توانست اسلام واقعی را نشان دهد علی (ع) بعد عثمان می‌خواست مردم فاسد شده را اصلاح کند، او نه تنها عدالت بلکه مفهوم کامل اخلاق را در جهان اسلام نشان داد.



در آثار ابوالاعلی مودودی وجود دارد و سید قطب با تکیه بر مودودی آن را توسعه داده است. سید امانیزم را جاهلیت تلقی می‌کند و نماد این نوع جاهلیت را آمریکا تصور می‌کند. سید بخش‌های علوم و فنون غرب را مورد انتقاد قرار نداده است اما نظام حقوقی و اخلاقی آن را مورد انتقاد قرار داده است. ایشان در مورد جاهلیت راهبانه، تصوف و رهبانیت انتقاد می‌کند. البته در واقع سید یک تفاوت‌هایی با ادبیات مودودی دارد. گروه‌های جهادی سعی کرده‌اند از این ادبیات کمک بگیرند و تکفیر را به آن نسبت دهند. بخشی به نام جاهلیت مدرن دارد که دنیای غیر مسلمانان را دنیای جاهلی تلقی می‌کند و دنیای مسلمانان را هم دنیای جاهلی می‌داند.

حجت‌الاسلام دکتر فیرحی اظهار کرد: او عقیده دارد که در جهان امروز دیگر بشر نمی‌تواند ادعا کند که جاهلیت به خاطر نبود علم است. حتی دانشمندان را هم جاهل تلقی می‌کند. جاهلیت قرن بیستم را وخیم‌ترین جاهلیتی می‌داند که در تاریخ بشر ظاهر شده است. این گونه بحث‌ها را سید در ادبیاتش دارد.

وی افزود: سید عقیده دارد مسلمانان به لحاظ وضعیت در دو وضعیت قبل از جریان‌های جدید که اسمش را استضعاف می‌گذارد و دوران بعدش که دوران آگاهی می‌نامد، قرار دارند. نویسندگان تکفیری توصیفی که سید در مورد جاهلیت داده است، جایگزین کرده و در ادبیات خود، تمام جوامع مسلمانی را در حکم کافر می‌دانند که یا اهل بدعت، شرک و یا نفاق هستند و تغییرانی در ادبیات سید داده‌اند.

این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران ادامه داد: آنچه در جریان‌های تکفیری اتفاق افتاد بسیار اهمیت داشت. در سال ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ شیخ عبدالملک سعدی حکم به کفر کل دیار عراق داد. ولی در ادبیات سید تکفیر نبود؛ اما مفهوم جاهلیت بود. در ادبیات دهه ۹۰ شاهد دو دگرگونی اساسی در جنبش‌های رادیکال هستیم؛ یک تکفیر فراگیر و عام و دیگری مفهوم جهاد و هجرت. وی ادامه داد: در ادبیات سید جمله‌ای است که هر مسلمانی که هر کجا توانی دارد، تلاش کند حکومت اسلامی تشکیل دهد. در ادبیات تکفیری این برجسته شد. اهل تکفیر مسلمانان را به دسته‌های مشرک که شیعیان را از این دسته می‌شمارند و اهل نفاق که اهل تسنن در تعامل با غرب را در این دسته جای می‌دهند و یا اهل بدعت مثل کسانی که به دموکراسی، انتخاب و رأی توجه دارند، تقسیم می‌کنند. با این ادبیات با توجه به سه معیار شرک، نفاق و بدعت یک حکم عمومی برای تکفیر قائل شده‌اند. اگر یک غیر مسلمانی را به دست آورند می‌توانند آن را توبه دهند اما توبه مسلمانان را قبول نمی‌کنند.

حجت‌الاسلام دکتر فیرحی گفت: آن‌ها در سال‌های ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ جاهلیت و آرمان حکومت اسلامی را مطرح کردند. از آن موقع یعنی دهه ۷۰ تا الان باید بررسی شود که چه اتفاقاتی افتاده است که مصادره‌ای از آرای قطب در آرای تکفیری است. مفهوم تأسیس حکومت شرعی و خلافت را مطرح می‌کنند. در جهان اهل سنت، اسلام‌گرایی سیاسی با تکیه به تفسیرهای قطب، از اصول‌گرایی سید قطب عبور می‌کند و رادیکالیزمی را تولید می‌کند. هر کس به سید قطب توجه دارد متهم به رادیکال شدن می‌شود و تفکیک این دو مسئله کمک بزرگی می‌تواند کند.

سید قطب و مسئله اسلام واقعی

دکتر حسن رحیم‌پور از غدی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در پایان نخستین روز همایش «بازخوانی و بررسی دیدگاه‌های سید قطب» به ارائه سخن پرداخت و گفت: یکی از کسانی که در دو قرن اخیر سبب حرکت

متوجه نشدند و سازمان‌های به اصطلاح تکفیری و جهادی تشکیل دادند و ضمن خواستن «هجرت» از جامعه، شروع به ترور کردند. شهید حسن البنا، بیانگذار جماعت اخوان المسلمین در اعلامیه‌ای که صادر کرد ضمن تقبیح ترور رسماً اعلام داشت که این قبیل اعمال ربطی به اخوان ندارد و کسانی که دست به ترور بزنند نه از اخوان هستند و نه مسلمان... .

وی در مورد پناه بردن آن‌ها به جزیره العرب گفت: اخوانی‌ها بعد از قتل عام در دوره حکومت سرهنگ ناصر جایی نداشتند که بروند. یک عده به سوریه، به عراق و به سعودی رفتند. آن‌ها در واقع اعتقادی به بنی سعود نداشتند بلکه آنجا را پناهگاهی برای ادامه کار خود در دوران هجرت انتخاب کرده بودند. آیت‌الله خسروشاهی با اشاره به ابهاماتی که در مورد تعریض سید قطب به تشیع وجود دارد، تصریح کرد: تعریض سید قطب به تشیع مطلقاً صحت ندارد. سید قطب در تفسیر آیه ۵۵ سوره غافر می‌گوید: حسین ابن علی (رض) از یک سو با آن شکل بزرگ و سترگ شهید می‌شود ولی آیا همچو شهادتی پیروزی است یا شکست؟ با معیار بزرگ الهی پیروزی است. و از آن تاریخ و تا به امروز چه مسلمان شیعی و چه غیر شیعی، از حرکت حسین (رض) به جوش و خروش درمی‌آیند.

وی در مورد روابط سید قطب با علمای شیعه، گفت: دو سال پیش که نجف مشرف شدم کتاب‌های سید قطب را که با دستخط خود پشت نویسی کرده و به آیت‌الله کاشف‌الغطا اهدا نموده بود، دیدم. همچنین در کنفرانس قدس که در اردن برگزار کردند و سید قطب دبیر آن بود، او شخصاً از شهید نواب صفوی دعوت کرده بود که شهید نواب در آن شرکت و سخنرانی کرد، پس



از اردن باز به دعوت سید قطب به مصر رفت و مرحوم سعید رمضان به من گفت که نواب صفوی وقتی به مصر آمد میهمان اخوان شد و در مکتب الارشاد نزد آن‌ها بود. شیخ محمد تقی قمی که برای اموری به قاهره رفته بود، برای تشکیل دارالتقرب با اخوان همکاری داشت و مرحوم حسن البنا نیز خود جزو مؤسسان دارالتقرب بود.

حجت‌الاسلام فیرحی: سید قطب، آمریکا را نماد جاهلیت مدرن تصور می‌کند

در ادامه همایش، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر داوود فیرحی، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران سخنرانی خود با عنوان «از جاهلیت تا تکفیر» را اینگونه شروع کرد: زندگی سید قطب به سه قسمت قابل تقسیم است. تاریخ تولدش در سال ۱۳۳۴ قمری به تولد مشروطه در ایران یکی است. در سال‌های ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷ که عازم آمریکا می‌شود دو سال در آنجا حضور دارد و یکی از دوره‌های مهم است. به این علت که سید قطب به تدریج به دیدگاه‌های مهمی می‌رسد. یعنی سید در سال ۱۹۴۸ ظاهراً بورسیه دولت می‌شود تا در مورد نظام آموزش عالی آمریکا تحقیق کند و این تحقیق او را بیشتر به موضع مخالفت می‌کشانند. البته او بعدها و در سال ۱۹۵۳ در سن ۴۵ سالگی به اخوان می‌پیوندد. ایشان جمله‌ای دارد مبنی بر اینکه در آن سال متولد شدم. به تدریج در جنبش اخوان رشد می‌کند و در سال ۱۹۵۴ روزنامه اخوان را سردبیری می‌کند. بعد ۱۵ سال زندان می‌رود و بعد هم «معالم فی الطريق» را می‌نویسد. از سال ۶۵ تا ۶۶ که حکم اعدامش صادر می‌شود، دوره جالبی در مورد مطالعه اندیشه‌های ایشان درباره مفهوم جاهلیت است.

وی افزود: با دانشجویی کار مشترکی در مورد مفهوم جاهلیت انجام دادیم. دیدیم که مفهوم جاهلیت قبل از او

بیانیه مجمع تقریب به مناسبت سالروز انقلاب ۱۴ فوریه مردم بحرین

آیت الله اراکی «دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب به مناسبت چهارمین سالگرد انقلاب ۱۴ فوریه مردم بحرین، بیانیه ای به شرح زیر صادر کرده است: سلام و درود خداوند بر شهدای انقلاب بحرین که جانهای خود را در محراب آزادی و عدالت فدا کردند تا مردم این کشور طلوع آزادی را ببینند و در دنیای عدالت و برابری تنفس کنند.

سلام و درود خداوند بر رهبران انقلاب بحرین که زندانهای بحرین مملو از این بزرگان است؛ رهبرانی که بدون هیچ خستگی در برابر طغیان حاکمان ظالم ایستادگی کردند و در برابر شلاقهای شکنجه و ابزارهای قلع و قمع و سرکوب صبورانه مقاومت کردند. و سلام خداوند بر رهبران حاضر در صحنه بحرین و همه گروههای مردمی انقلابی این کشور و در رأس آنان عالمان صابر و حکیم بحرین.

در چهارمین سالگرد انقلاب ۱۴ فوریه مردم بحرین، انقلاب این کشور و فریاد مردم انقلابی آن در اوج خود قرار گرفته است و انقلابهای مسالمت آمیز مردمی تا تحقق کامل خواسته های مشروع و عادلانه مردم این کشور همچنان ادامه دارد و این دلیل بر حقانیت انقلاب و توانایی آن در به دست آوردن پیروزی است.

صبر مردم انقلابی بحرین و ادامه راه انقلاب و مقاومت بزرگترین دلیل و برهان بر پیروزی حتمی و نزدیک مردم بحرین است.

وظیفه شرعی همه مردم بحرین ادامه دادن انقلابهای مسالمت آمیز به رهبری علمای صالح این کشور تا تحقق کامل خواسته های مشروع مردم انقلابی و رهبران حکیم بحرین است.

مردم انقلابی و مقاوم بحرین مطمئن هستند که طبق وعده خداوند سبحان که می فرماید «لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرِسلِي: من و رسولانم پیروز می شویم» پیروز خواهند شد.

خداوند سبحان در جای دیگر می فرماید: وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِن بَعْدِهِمْ. ذَلِكَ لِمَن خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ وَاسْتَغْفِرُواْ وَخَافَ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ مِّنْ وَرَآئِهِ جَهَنَّمُ وَيُنِسَقَى مِن مَّاءٍ صَدِيدٍ.

«کسانی که کافر شدند به پیامبران خود گفتند ما قطعاً شما را از سرزمین خود اخراج خواهیم کرد، مگر اینکه به آئین ما بازگردید، در این حال پروردگارشان به آنها وحی فرستاد که من ظالمان را هلاک می کنم و شما را در زمین بعد از آنها سکونت خواهیم بخشید. این موفقیت برای کسی است که از مقام عدالت من بترسد و از عذاب من بیمناک باشد. آنها از خدا تقاضای فتح و پیروزی کردند و هر گردنکش منحرفی نومید و نابود شد. به دنبال او جهنم خواهد بود و از آب بد بوی متعفن نوشانده می شود».

ای مردم بحرین به اذن خداوند پیروزی نزدیک است و ظالمین شکست می خورند، مستکبران پشیمان می شوند و سرنوشت حاکمان ستمگر بحرین با ستمگران معاصر ما همانند شاه ایران، صدام حسین و معمر قذافی و امثال اینها فاصله ای نخواهد داشت.

پروردگار را مردم مظلوم بحرین را پیروز گردان و به آنان عزت و رستگاری و پیروزی عنایت فرما و رهبران صبور و حکیم آنان را پیروز گردان که تو بر هر چیزی قادر و توانایی.

محسن اراکی

دبیر کل مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی

۲۴ ربیع الثانی ۱۴۳۶ هـ.ق.

آیت الله اراکی:

شکل گیری جریان بیداری اسلامی مرهون انقلاب اسلامی ایران است

گرفتن نقش اداره امور جهان آماده کنند.

آیت الله اراکی همچنین با اشاره به لزوم بازنگری در برخی شیوه های آموزشی مراکز اسلامی اظهار داشت: امروز شاید فرصت کافی برای طالبان علوم اسلامی نباشد که بخواهند به طور مفصل همه کتب گذشتگان را مطالعه کنند و لازم است با بکارگیری شیوه های نوین، مطالب خلاصه و مفید به دانش پژوهان عرضه شود.

وی ادامه داد: امروز نیاز داریم که علمای فریقین در مسایل مختلف اسلامی با هم تبادل نظر داشته باشند و در حوزه فقه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به دنبال شکل دادن یک فقه مشترک اسلامی باشند.

دبیر کل مجمع تقریب مذاهب اسلامی افزود: تجربه گران سنگ فقههای شیعه و اهل سنت باید در کنار هم قرار گیرد و فقههای جدید باید بر اساس مبانی و اصول فقهی مشترک، دستاوردهای جدیدی داشته باشند.

وی اظهار داشت: پیشنهاد می کنم علمای بزرگ جهان اسلام اعم از شیعه و اهل سنت در عرصه مسایل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در صدد ایجاد یک طرح مشترک فقهی برآیند و یک نظام اقتصادی و حقوق خانواده اسلامی مشترک میان فریقین ایجاد کنند.

آیت الله اراکی ضمن برشمردن موانع بحث علمی میان علمای فریقین افزود: توهم افکنی دشمنان اسلام و وجود جاهلان مذهبی از موانع بحث علمی سالم میان علمای اسلام محسوب می شوند.

ارتباط و حمایت غرب از گروههای تروریستی و تکفیری همچون داعش رازی نهفته نیست بلکه بر همگان امری روشن و واضح است.

وی افزود: رسانه های غربی از داعش به عنوان دولت اسلامی در اخبار خود نام می برند و بر بیان این عنوان اصرار می ورزند در حالی که علمای جهان اسلام بر خارج شدن داعش از خطوط قرمز اسلام توافق نظر دارند.

آیت الله اراکی تاکید کرد: تجاوز داعش به خطوط قرمز اسلام مورد اجماع علمای شیعه و سنی است و اقداماتی همچون سر بردن قطعی های مصری و سوزاندن اسرای بیگناه و سایر رفتارهای خشن و غیرانسانی داعش و بوکوحرام مورد تایید هیچ مسلمانی در دنیا نیست و با مبانی اسلام هیچ سازگاری ندارد.

وی افزود: جای سوال از رسانه های به ظاهر مستقل غربی این است که چرا این مواضع آشکار علمای اسلام در محکومیت جنایات داعش را نمی بینند و باز هم بر عنوان دولت اسلامی تاکید دارند.

وی با اشاره به جریان بیداری اسلامی به نقش انقلاب اسلامی ایران در این زمینه اشاره کرد و افزود: عمده پیشرفت و شکل گیری جریان بیداری اسلامی مرهون انقلاب اسلامی ایران است که شعار استقلال و آزادی و عدالت خواهی را به گوش مسلمانان جهان رساند.

وی تصریح کرد: ما آینده را متعلق به اسلام می دانیم و از همین رو اعتقاد داریم مسلمانان باید خود را برای برعهده

تکفیر فتنه ای بزرگ در جهان اسلام است

که سبب تضعیف آن می شود، ابراز داشت: این مسأله دیدگاه عام تمامی مسلمانان است، حتی عربستان که اختلاف نظرهای بسیاری با تفکر شیعی دارد؛ مسأله تکفیر را به عنوان یک فتنه قبول دارد.

رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس با اشاره به رأی فقهی اهل سنت درباره مسأله تکفیر، عنوان کرد: نگاه فقهی اهل سنت و شیعه در این مسأله به یکدیگر نزدیک است، شیعه و سنی عقیده دارند که افراد با گفتن شهادتین وارد در اسلام می شوند، از همین رو تکفیر و تکفیر کنندگان را نفی می کنند.

وی با اشاره به معیار خروج از اسلام در دیدگاه اهل سنت، خاطر نشان کرد: اهل سنت با کمی اختلاف نسبت به شیعه انکار خداوند، انکار نبوت و انکار یکی از ضروریات دین را سبب خروج مسلمان از اسلام می داند؛ اهل سنت درباره معیار محوری را به نام تنزیل حکم کفر بیان کردند، این مذهب می گوید در تنزیل می بایست به شدت دقیق بود به عنوان مثال اگر شک کردیم که فردی جامعه کفر بر تن کرده نباید آن را تکفیر کنیم.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی با اشاره به قاعده ای دیگر از مسأله تنزیل اهل سنت، گفت: اهل سنت می گویند که ورود شخص با اقرار شهادتین به اسلام یک امر یقینی است، از همین رو اگر زمانی نسبت به خروج او نسبت به اسلام شک کردیم نباید به چنین شکی اعتنا کرد؛ بنابراین یقین به جز با یقین نقض نمی شود.

وی به اقسام کفر در رأی فقهی اهل سنت اشاره کرد و افزود: کفر به دو نوع اکبر و اصغر تقسیم می شود، کفر اکبر به کفری گفته می شود که در آن یکی از ضروریات دین انکار شود، کفر اصغر بدان معناست که فردی گناهی را انجام دهد

آیت الله «محسن اراکی» دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی طی سخنانی در همایش علمی و تحقیقی مذاهب اسلامی در زاهدان، اظهار داشت: امروز در اغلب شهرهای دنیا و دانشگاههای جهان شاهد اقامه نماز توسط جوانان مسلمان و برپایی سفره های افطار در مساجد مختلف در کشورهای اروپایی و آمریکایی هستیم که همه اینها بیانگر وجود اسلام و مسلمانان در اقصی نقاط عالم است.

وی افزود: انفجار نور اسلام دروازه های غرب را کوبیده و دنیا را فراگرفته و بیشتر توطئه ها و شیطنتهای استکبارگران تلاشی ناکام برای تقابل با این نفوذ موج اسلام در غرب است.

آیت الله اراکی با بیان اینکه اسلام با حضور اندیشه و تفکر به پیش می رود تصریح کرد: امروز اگر به زن اروپایی اجازه فهم مساله حجاب و حقوق زن در خانواده داده شود ما در غرب زن بی حجاب نخواهیم داشت.

وی افزود: زنان غربی اگر با واقعیت تعالیم اسلام آشنا شوند قوانین اسلام را بر بی بند و باری غرب ترجیح خواهند داد.

دبیر کل مجمع تقریب مذاهب ادامه داد: اسلام در زمان حاضر تا اندازه ای موفق شده است به جوامع آمریکایی و اروپایی نفوذ کند و ان شاء الله آینده جهان از آن اسلام خواهد بود.

وی با اشاره به پدیده داعش و موج تکفیرگرایی و افراطی گری مورد حمایت غرب اظهار داشت: امروز دیگر

حجت الاسلام مبلغی:

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی در نشست بررسی مبانی فقهی تکفیر از دیدگاه اهل سنت که در مدرسه تخصصی فقه امام خمینی(ره) برگزار شد به تبیین دیدگاه های خود پرداخت.

وی با بیان این که پرداختن به مبانی تکفیر باید در اولویت قرار گیرد، گفت: این مسأله به دلیل بحث روز بودن دارای اصالت و اولویت است، از همین رو باید تمام ابعاد و ویژگی های مسائل تکفیر را مورد بررسی قرار داد، باید نتایج این نشست ها یک خاستگاه برای حرکت و برخورد صحیح و موثر باشد.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی با اشاره به مسئله تکفیر از دیدگاه اهل سنت، افزود: در این مسأله می توان سه مرحله دیدگاه فقهی، اندیشه دین و تاریخی و سلوک عملی را در نظر گرفت، البته همین دیدگاه را می توان درباره شیعه نیز بیان کرد. وی با بیان این که در اندیشه دینی و تاریخی اهل سنت چند نگاه کلی وجود دارد، که نوعا در شیعه نیز وجود دارد، اظهار داشت: یکی از این نگاه های کلان این است که اگر تکفیر از حد طبیعی خود بگذرد به بدعت تبدیل می شود، عقیده اهل سنت این است که در اسلام پدیده ای به نام تکفیر وجود نداشته و از زمان خوارج این مسأله به پیکره اسلام وارد شده است.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی عقیده کلی دیگر در میان اهل سنت را تلاش برای هدایت افراد به دین عنوان کرد و ادامه داد: غالب اهل سنت می گویند نباید کاری کرد که مردم از دین خارج شوند؛ همچنین اهل تسنن اعتقاد دارند که ما مأمور به شناخت و تمرکز بر باطن نیستیم، بلکه برای اجرای احکام اسلام باید به شهادتین توجه شود. وی با بیان اینکه تکفیر فتنه ای در جهان اسلام بوده

فراخوان دومین همایش بین المللی «تقدیر از آثار و پایان نامه های تقریبی»

پژوهشگاه مطالعات تقریبی وابسته به مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در راستای توسعه بخشیدن به فعالیت های علمی ثمر بخش و سازنده در جهان اسلام و به منظور تقویت پشتوانه علمی اندیشه وحدت اسلامی دومین همایش بین المللی « تقدیر از آثار و پایان نامه های تقریبی» را در آستانه مبعث حضرت ختمی مرتبت در تاریخ ۹۴/۲/۲۴ در مشهد مقدس برگزار می نماید.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مختاری رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی ضمن بررسی اهداف

همایش اظهار داشت :این همایش با هدف شناسایی استعدادهای علمی تقریبی و تقدیر از آنها ،حمایت از کتب و پایان نامه های تقریبی ،بررسی دیدگاههای تقریبی در عرصه داخلی و بین المللی ،زمینه سازی برای تبادل نظر اندیشمندان تقریبی معاصرو بهره گیری از روش های مطالعاتی جدید در حوزه تقریب مذاهب اسلامی برگزار می شود .

دکتر مختاری با اشاره به موضوعات آثار ارسالی افزود : موضوعاتی که در هریک از حوزه های پژوهشی مذکور تعریف می شود باید به یکی از اهداف ، شناخت و

گسترش ارتباط پیروان مذاهب اسلامی با یکدیگر، رفع سوء تفاهم میان مذاهب اسلامی، تقریب آراء و دیدگاه های مذاهب اسلامی، بازیابی هویت مشترک اسلامی و به طور کلی همگرایی اسلامی کمک نماید.

رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی تصریح کرد : پژوهشگران می توانند تا تاریخ ۹۳/۱۲/۲۷ یک نسخه از کتاب یا رساله صحافی شده و یا فایل PDF اثر خود را به ضمیمه تصویر صورتجلسه دفاعیه به دبیر خانه دائمی همایش از طریق ایمیل و یا حضوری ارائه نمایند.

QOM.TAGHRIB@YAHOO.COM

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
سردبیر: سید محمود خسروشاهیدفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز
تلفکس: ۰۲۳۳۷۷۴۱۴۲۳۷ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شماره‌های نشریه بعثت

از سال ۱۳۸۷ به بعد، در سایت مرکز

بررسی‌های اسلامی به نشانی: www.iscq.ir

در دسترس می‌باشد

مدیر دهمین نمایشگاه استانی کتاب قم:

حضور ۳۴۰ ناشر در دهمین نمایشگاه استانی کتاب قم

مدیر دهمین نمایشگاه

استانی کتاب قم گفت:

نمایشگاه استانی کتاب قم با حضور ۳۴۰ ناشر و بیش از ۵۰ هزار عنوان کتاب در مجتمع ناشران قم برپا می‌شود.



حمید خرمی رئیس

اتحادیه ناشران و کتابفروشان

قم در نشست خبری با خبرنگاران با اشاره به دهمین نمایشگاه استانی کتاب قم گفت: همه ساله در نمایشگاه کتاب قم ۲۵۰ ناشر در نمایشگاه حضورداشتند که امسال با توجه به درخواست و استقبال خوب ناشران ۳۴۰ ناشر به طور بی سابقه طی ۱۰ سال برگزاری نمایشگاه در دهمین نمایشگاه استانی کتاب قم شرکت کرده‌اند.

مدیر دهمین نمایشگاه استانی کتاب قم ادامه داد: در همین راستا ۱۲۹ نمایندگی در ۲۱۱ غرفه بیش از ۵۰ هزار عنوان کتاب را در دهمین نمایشگاه استانی کتاب قم عرضه کردند.

رئیس اتحادیه ناشران و کتاب فروشان قم تصریح کرد: از میان ۳۴۰ ناشر حاضر در نمایشگاه ۴۰ ناشر با ۱۰ هزار عنوان مختص به بخش کودک و نوجوان داشت.

خرمی اظهار داشت: در برگزاری این نمایشگاه سازمان ها و نهادهای مختلفی با اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی قم همکاری ویژه داشتند.

وی با اشاره به اینکه شرکت ناشران در این نمایشگاه به صورت کاملاً رایگان بوده است گفت: هزینه حضور ناشران در دهمین نمایشگاه استانی کتاب قم بر عهده اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قم بود.

رئیس اتحادیه ناشران قم خاطر نشان ساخت: ۶۰ درصد ناشران شرکت کننده در نمایشگاه ناشران قمی و ۴۰ درصد ناشران دیگر استان ها بودند.

وی اذعان کرد: نمایشگاه استانی کتاب قم امسال با عناوین مختلف علمی، فرهنگی، دینی، آموزشی، دانشگاهی، عمومی، کمک آموزشی، زبان خارجه، کودک و نوجوان نسبت به سال های گذشته علاوه بر پر باربودن از تخفیف بیشتری برخوردار بود.

مدیر دهمین نمایشگاه استانی کتاب قم ابزار داشت: بزرگترین مشکل در برگزاری نمایشگاه کتاب در استان قم نبود فضای نمایشگاهی است که در استان قم متأسفانه یک فضای استاندارد برای برگزاری نمایشگاه کتاب وجود ندارد و فضای مجتمع ناشران نیز با توجه به ویژگی هایی که دارد برای برگزاری نمایشگاه کتاب فضای مناسبی نیست.

گفتنی است دهمین نمایشگاه استانی کتاب قم از روز جمعه اول اسفند ماه تا ۸ اسفندماه از ساعت ۹ تا ۱۲ و ۱۶ الی ۲۱ برگزار شد.

رئیس مجلس خبر داد:

اختصاص ۵۰۰ میلیارد تومان برای نشر فرهنگ دینی در بودجه ۹۴

جامعه به شمار می‌روند و لازم است در این زمینه سرمایه‌گذاری لازم صورت بگیرد.

وی با اشاره به اینکه در بودجه ۹۴ هم توجه کافی به حوزه فرهنگ صورت نگرفته است گفت: ۵۰۰ میلیارد تومان به این حوزه اختصاص داده شده ولی به یقین این رقم کم است؛ آنچه در مجلس مورد بحث قرار گرفته و کمیسیون تلفیق به آن توجه داشته این مبلغ



است که برای فرهنگ دینی در نظر گرفته شده است.

دکتر لاریجانی بیان کرد: به دولت هم توصیه خواهیم کرد در حوزه فرهنگ دینی و نشر کتاب‌هایی با این مضمون توجه بیشتری داشته باشد و قم را به عنوان پایتخت فرهنگی کشور مورد عنایت افزون‌تری قرار دهد.

قرار می‌گیرد که از نظر تولید کتاب به رشد بیشتری رسیده باشد و رشد اندیشه دینی هم به تولید کتاب‌های دینی بستگی خواهد داشت. دکتر لاریجانی با بیان اینکه قم از نظر کمی و کیفی در حوزه نشر کتاب‌های دینی رشد خوبی داشته و یکی از مراکز تولید این نوع از کتاب‌ها به شمار می‌رود، گفت: مولفان و ناشران خوبی در قم حضور دارند

که کتاب‌های محققان‌های را روانه بازار می‌کنند علاوه بر این راه‌اندازی چاپخانه‌های خوب در قم به این روند کمک کرده است و این روند باید حمایت شود.

رئیس قوه مقننه افزود: ناشران و مولفان همواره جزء اقشار مظلوم جامعه بوده‌اند البته باید به این نکته توجه داشت که کتاب و کتابخوانی زمینه‌ساز رشد عقلانی

معاون استاندار قم عنوان کرد:

نقش مهم قم در تولید علم در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی

شهر قم عنوان کرد: این امر با دیگر حوزه‌های اقتصادی متفاوت است زیرا نفس تولید علم، نقش مهمی در اقتصاد خواهد داشت و اگر در حوزه اقتصاد مقاومتی خواهان پیشرفت هستیم، باید به رشد علمی توجه کنیم. معاون استاندار قم فروش علم و تکنولوژی را یکی از محورهای اصلی رونق اقتصادی دانست و افزود: اگر قم می‌خواهد در اقتصاد مقاومتی نقشی اساسی ایفا کند باید به دنبال تولید و انتشار دانش باشد و به این ترتیب علاوه بر تقویت بنیه اقتصادی خود، کشور را هم بهره‌مند سازد. وی به شهرک چاپ و نشر قم به‌عنوان یکی از زمینه‌های مناسب برای انتشار کتاب اشاره کرد و گفت: امیدواریم این شهرک هم منشأ خبر و برکت باشد و ناشران و اصحاب قلم بتوانند از این بستر مناسب بهره کافی را ببرند.

رئیس موسسه آینده روشن:

باید در عرصه کتب مهدوی سرمایه‌گذاری شود

حجت‌الاسلام والمسلمین سید مسعود پورسیدآقایی در حاشیه حضور در این نمایشگاه اظهار کرد: برپایی نمایشگاه کتاب کاری شایسته و ضروری است.

وی با تأکید بر اینکه ناشران روی برتری رسانه‌های مکتوب نسبت به کتب دیجیتال کار کنند گفت: لوح‌های فشرده و رسانه‌های الکترونیک و دیجیتال هیچوقت نمی‌توانند جای کتاب را بگیرند و باید ناشران آثار مکتوب در برابر کتب دیجیتال کارهای بیشتری انجام دهند.

حجت‌الاسلام پورسیدآقایی با تمجید از اختصاص یک بخش برای کودکان در نمایشگاه گفت: باید دست‌بندی طبقات بر اساس یک موضوع خاص انجام گیرد تا مردم راحت‌تر و در مدت زمان کمتری کتاب مورد علاقه خود را پیدا کنند.

وی افزود: در عموم غرفه‌ها کتب زیادی در ارتباط با مهدویت و امام زمان (عج) دیدم که باید وجود چنین کتاب‌های خوبی به مردم اطلاع‌رسانی شود.

رئیس موسسه آینده روشن با بیان اینکه مرگ هر کس که به مسائل مهدوی آگاهی نداشته باشد مرگ جاهلیت است، خاطرنشان کرد: اندیشه‌ای همچون مهدویت هویت ما است پس باید روی این مسئله سرمایه‌گذاری بیشتری صورت گیرد.

حجت الاسلام پورسیدآقایی اظهار کرد: انتشاراتی همچون موسسه آینده روشن، مرکز تخصصی مهدویت و مسجد مقدس جمکران در زمینه مسائل مهدوی قابل اعتماد هستند و از آنجایی که موسسه آینده روشن و مرکز تخصصی مهدویت با حساسیت خاصی کتب خود را می‌نویسند لازم است دیگر انتشاراتی‌ها نیز به آنان کمک کنند چون منابع مهدوی غنی داریم اما کارهای جدی برای نشر کتب در این مورد صورت نگرفته است. وی ادامه داد: امیدواریم سرمایه‌گذاری جدی روی مولفان مهدوی و کتب آنها شود و انتشارات مختلف در این موضوع از مولفین مجرب بخواهند برای آنها بنویسند.

معاون سیاسی امنیتی استاندار قم خاطرنشان کرد: در آینده شاهد نقش موثر قم در پیشرفت علمی جهان خواهیم بود. وی با بیان اینکه تفاوتی میان علوم انسانی، الهی و طبیعی در اینجا وجود ندارد زیرا همه آنها یا مفسر قول خداوند هستند یا فعل او را تفسیر می‌کنند، گفت: همه علوم دارای رویکردی الهی و توحیدی هستند و قم در این بین نقش بسیار مهمی در انتشار دانش خواهد داشت؛ اگر قم بتواند بسترهای لازم را برای تولید علم فراهم کند و محققانی را گرد هم آورد و اصحاب نشر فرصت کافی برای انتشار کتاب داشته باشند می‌تواند هر چه زودتر به این مهم دست یابد.

آقای بنایی با اشاره به نقش انتشار علوم در اقتصاد



به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قم، حجت‌الاسلام والمسلمین علی بنایی در آیین گشایش دهمین نمایشگاه کتاب استان قم در مجتمع ناشران با اشاره به روایاتی که قم را در آخرالزمان منشأ تولید و انتشار علوم می‌داند، اظهار داشت: البته این انتشار علمی حتماً نیازمند ابزار و لوازمی خواهد بود که باید در بستر مناسب به وجود آیند.

وی با بیان اینکه چنانچه بسترهای انتشار علوم فراهم نشوند، به این هدف مهم دست نخواهیم یافت، افزود: کلام حضرات معصوم (ع) حتماً محقق خواهد شد و می‌دانیم که قم در تولید علم و دانش بشری در آینده دارای نقشی اساسی می‌شود.

فرمانده نیروی انتظامی استان قم مطرح کرد:

اهتمام به تقویت بنیه اخلاقی و معرفتی پلیس از طریق ترویج کتابخوانی

اظهار کرد: با توجه به اینکه نیروی انتظامی تأثیر زیادی در امنیت کشور دارد طبیعی است که اگر معرفت مأموران افزایش پیدا کند تا آنها خطا و انحراف کمتری خواهند داشت.

سردار مجتبابی با تأکید بر اینکه هدف نیروی انتظامی تولید آرامش و امنیت در جامعه است عنوان کرد: اگر کسی این دو مهم را نسبت به